

جنبش علیه بازرگان
درباره حبیب‌الله پیمانچالش پناهی در اسکار
اعتراض آریل دورفمن به جعفر پناهیپایان لاتاری
درباره تصمیم جدید ترامپ

تله استراتژیک

هشدارها و پیشنهادهای **محسن هاشمی**، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران
به مسعود پزشکیان در دیدار فعالان سیاسی با رئیس‌جمهور:

بحران اول: سرمایه اجتماعی و رابطه دولت و ملت

بحران دوم: وضعیت حکمرانی و ضعف شایسته‌سالاری

بحران سوم: ناترازی عمیق اقتصادی و اجتماعی

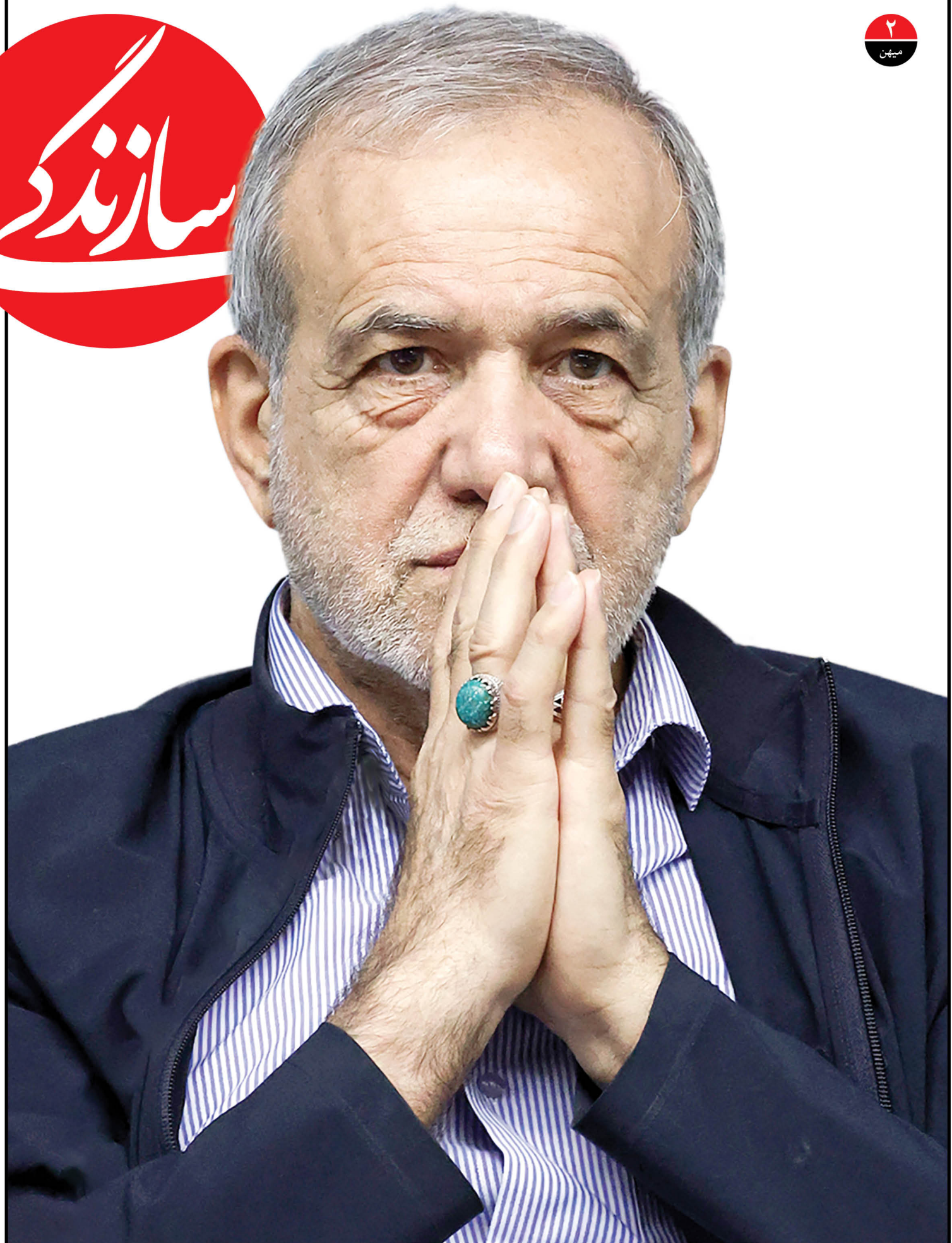
بحران چهارم: چالش‌های دیپلماتیک و فقدان متحدان مؤثر

راهکار اول: ارتقاء سرمایه اجتماعی

راهکار دوم: تناسب دستمزدها با نرخ تورم

راهکار سوم: حمایت از تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی

راهکار چهارم: تغییر در استراتژی سیاست خارجی



سرمقاله

سخنی ناگفته با رئیس‌جمهور:

در کوچه بن‌بست نباید نشست



محمد قوچانی
رئیس کمیته سیاسی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

روز چهارشنبه ۲۶ آذرماه ۱۴۰۴ به دعوت دفتر رئیس‌جمهور، در نشست سیاسیون با ایشان در باب انسجام ملی حضور یافتیم. ویژگی جلسه تکرار مدعویین از دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا بود و به همین علت به‌صورت طبیعی فرصت سخن به همه نمی‌رسید و من نیز به شیوه نه‌چندان پسندیده برخی سیاسیون، اصراری بر سخنرانی نکردم؛ گرچه منتش را نوشته بودم اما فکر کردم که راه برای انتقال سخن به دکتر پزشکیان زیاد است. اما در کمال تعجب هیچ‌یک از سیاسیون محوریت سخن خویش را مسئله جنگ و صلح قرار ندادند و تنها وقتی رئیس‌جمهور از مصائب اقتصادی گفتند، یک تن از اصلاح‌طلبان که فرصت سخن نیافته بود، از ضرورت رفع تحریم‌ها گفت و رئیس‌جمهور هم از سر قاطعیت و غیرت، به رد ذلت در سیاست خارجی پرداخت و اصولگرایان حاضر که فکر کردند دوگانه را ساخته‌اند، کف زدند!

در آن جلسه، پسندیده نبود که جدل ادامه یابد اما ایجاد دوگانه «تسلیم و مقاومت» در روایت برخی اصولگرایان و وارد کردن رئیس‌جمهور منتخب اصلاح‌طلبان به این بازی، سبب شد که انگیزه‌ای برای نشر سخن ناگفته اما نوشته‌شده‌ام، بیابم. می‌خواستم در آن جلسه بگویم:

آقای رئیس‌جمهور!

از آنجاکه همواره جنابعالی را به سخنرانی مکتوب دعوت کرده‌ام، اجازه می‌خواهم بنده نیز از این فرصت به همین شیوه بهره ببرم تا زمان از کف نرود و دامن سخن پراکنده نشود: جنگی که با اسرائیل پشت‌سر گذاشتیم، بیش از آنکه جنگ باشد، کودتا بود. غافلگیری و ترور نظامیان و دانشمندان توسط اسرائیل، به شهادت شهروندان هم انجامید اما در اصل کودتایی برای حذف سران جمهوری اسلامی و دعوت مردم ایران به شورش بود و به لحاظ تاریخی، شباهت بسیاری به کودتای ناتمام ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ داشت که این‌بار با توان بازدارندگی موشکی و از آن مهم‌تر انسجام و آگاهی ملی ایرانیان از توطئه و توهین اسرائیل به ملت ایران برای تعیین سرنوشت خویش، ناکام ماند. جنگی که شاید پیش‌رو داشته باشیم اما شاید شبیه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باشد که غرور دولت ملی دکتر مصدق در فراخواندن ملت و بها ندادن به بازسازی دشمن، سبب غفلتی بزرگ شد و کودتا در سرنگونی دولت ملی ایران کامیاب شد. در همان زمان، خلیل ملکی از مبارزان نهضت ملی به مرحوم دکتر مصدق، رئیس دولت ملی هشدار تاریخی داد که نمی‌خواهم کلمات آن را اینجا تکرار کنم و می‌توانید آن را در کتاب‌های تاریخ بخوانید تا بدانید چگونه در اوج نهضت ملی ایران، دوباره سلطنت با حمایت بیگانه به قدرت بازگشت.

آقای دکتر پزشکیان!

نادیده گرفتن وحدت ملی و وفاق ملی، جاده‌صاف‌کن دشمن است. آنچه ایران را در نیم‌قرن گذشته حفظ کرده، نهاد جمهوریت است که با انتخاب رؤسای جمهور متفاوت از رای حاکمیت از سال ۱۳۷۶ به ملت، امید تغییر داده است. انتخاب افرادی چون خاتمی و روحانی از این جهت مهم است که امید تغییر از بیرون به درون کشور منتقل شده است؛ تغییری در میهن و نه بر میهن. شما نیز در تداوم این جنبش جمهوری‌خواهی قرار دارید. ما اصلاح‌طلبان نه‌تنها از رای به شما پشیمان نیستیم، بلکه به بهره بردن از کوچک‌ترین روزنه در حاکمیت و گشودن راه به‌سوی صلح و اصلاح افتخار می‌کنیم و تا زمانی که شما نماد جمهوریت و این ملت-دولت باشید، به شما وفادار خواهیم بود. اما نباید در کوچه بن‌بست نشست، باید راهی دیگر گشود. نه با تسلیم و نه با گریز و پاک کردن صورت‌مسئله که با خلاقیت و ابتکار، با تجاوز اسرائیل، استراتژی «نه جنگ، نه صلح» به پایان راه خود رسیده است. اکنون ما در وسط جنگی هستیم که حتی آتش‌بس آن ناپایدار است و ملت هر لحظه نگران جنگی دیگر است و اولین سوال مردم از همه ما این است که جنگ می‌شود یا نمی‌شود؟

ادامه در صفحه ۲



سال هشتم شماره ۲۱۴۲
شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

ادامه سرمقاله

در کوچه بن‌بست نباید نشست

رئیس محترم جمهور!

شما دیگر فقط نماینده مردم تبریز در مجلس نیستید. شما رئیس دولت ملی ایران هستید. ملت از شما انتظار خلافت و ابتکار به‌خصوص در سیاست خارجی و امنیت ملی دارد. شما فقط رئیس‌الوزرا نیستید. شما رئیس شورای عالی امنیت ملی هستید که حمایت مقام رهبری جمهوری اسلامی را هم دارید که تدروها را از مخالفت با دولت بر حذر داشته است. مسئولیت رئیس‌جمهور بسی فراتر از آستین بالا زدن برای ساختن دیوارهای یک مدرسه ناتمام است. می‌دانم برخلاف سلف پوپولیست‌تان در دولت موسوم به عدالت، واقعاً عدالت‌خواه هستید و اهل ریا نیستید. اما فروتنی هم حدی دارد! شما هم رئیس «جمهور» هستید و هم رئیس «جمهوری»، یعنی نه فقط ملت که همه حاکمیت باید ریاست شما را بپذیرند و این با حمایت رهبری از شما، به امری بدیهی بدل شده است که شما یک رئیس از رؤسای سه قوه نیستید. مسئول اجرای قانون اساسی و منتخب مستقیم ملت هستید و ازجمله نشئون ریاست جمهوری، تعیین استراتژی کشور است. شما توانستید با صمیمیت و عقلانیت، جلوی اجرای قوانین ناکارآمد در باب حجاب را بگیرید و نتیجه‌اش در حفظ انسجام ملی در جنگ ۱۲روزه را دیدید. شما توانستید قبل از جنگ، باب مذاکراتی را بگشایید تا بهانه از دشمن گرفته شود و مردم در جنگ، احساس کنند دولت دنبال جنگ نبود و از این‌رو نقشه دشمن در تفرقه را ناکام ساختند، شما توانستید در ۱۲روز جنگ، کشور را به‌گونه‌ای اداره کنید که هیچ کمبودی احساس نشود، پس چگونه نمی‌توانید با وفاق ملی در داخل، در سیاست خارجی ابتکاری تازه ابداع کنید؟

امروز در این هوای ناپاک و کم‌آبی و بی‌برقی و بی‌پولی و... روشن شده است که اگر ما هم سعی نکنیم همه‌چیز را به سیاست خارجی گره بزنیم، سیاست خارجی خودش را به همه‌چیز ما تحمیل کرده است! اقداماتی چون مدرسه‌سازی و راه‌اندازی پل‌های خورشیدی و خانه‌های بهداشت و... لازم است اما کافی نیست. ریشه همه ناترازی‌ها در تحریم‌هاست.

آقای مسعود پزشکیان!

مردم در انتخابات سال ۱۴۰۳ از شما چه‌رادی «قیصر»‌گونه در بیان و راه و رفتار دیدند که با صمیمیت و صداقت و صراحت می‌توانید مسائل کشور را حل کنید اما اینها کافی نیست، شجاعت و درایت و دقت هم لازم است. اینکه بگوئید «فکر کنید دولتی در کار نیست»، حرف جالبی است تا به ملت روحیه و مسئولیت بدهید اما اگر این حرف به «بی‌دولتی» تعبیر شود، پاسخ تلخ خواهد بود؛ وقتی یکی از پیشکسوتان و همکاران غیرسیاسی من در مجله «فیلم امروز» به شما جواب می‌دهد: «اگر دولت نبود که ملت می‌دانست چکار کند!» اما دولت هست و رئیس آن‌هم شما هستید و موظف هستید با حفظ:

۱. توان بازدارندگی موشکی ایران
۲. حق فناوری هسته‌ای
۳. تمامیت ارضی کشور
۴. بهبود معیشت
۵. حفظ کرامت انسانی
۶. حقوق اساسی ملت

ایران را از این بحران عبور دهید.

شما را به امر محال نمی‌خوانم. شما با وعده مشورت با کارشناسان به قدرت رسیدید. در دولت شما و اکنون بیرون از دولت در میان ملت، نخبگانی هستند که بی‌مزد و منت می‌توانند به شما مشورت دهند و همان‌طور که در دولت‌های اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرای گذشته ممکن شد، راه صلح شرافتمندانه و توسعه همه‌جانبه را نشان دهند. ما همه این دستاوردها را داشتیم و اکنون گرچه کار سخت‌تر شده اما غیرممکن نیست که مقابل زورگوی ترامپ و تجاوزکاری نتانیاهو نه‌فقط مقاومت کنیم که با انسجام ملی به توسعه برسیم.

رئیس‌جمهور عزیز!

به فتنه‌گرانی که می‌خواهند با دو قطبی‌های کاذب «باحجاب و بی‌حجاب»، «خودی و غیرخودی»، «فارس و ترک»، «درون و بیرون کشور» و... استراتژی وفاقی ملی را ناکام و رویای سقوط دولت وفاقی ملی را محقق کنند، چه در درون حاکمیت، چه در اپوزیسیون نه بها دهید و نه باج. وفاق ملی، تقسیم پست حکومتی میان مدافعان و مخالفان شما نیست. دولت وفاقی ملی آخرین فرصت برای توافق در حاکمیت و ملت بر سر پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح» است. وضعیتی که از جنگ بدتر است و جامعه ایران را با این تورم و رکود و ترس و یأس، به‌کام مرگ می‌برد. شما می‌توانید راهی برای صلح شرافتمندانه، پایدار و بازگشت به راه رشد و توسعه ایران، برای عبور از فقر و فساد و تبعیض بیابید.

آقای رئیس‌جمهور!

به این جنگ بی‌پایان، پایان دهید.

تله استراتژیک

هشدارها و پیشنهادهای محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران به مسعود پزشکیان در دیدار فعالان سیاسی با رئیس‌جمهور



عاطفه شمس

گروه سیاسی



چهارشنبه یکی از مهم‌ترین نشست‌های سیاسی رئیس‌جمهور با نخبگان سیاسی بود. نشستی که به تش و چالش کشیده شد و روایت‌های مختلفی از آن بیرون آمد. بسا این حال فراتر از اینکه در آن جلسه چه گذشت که در ادامه این گزارش خواهد آمد، سخنان محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران بود. او از مهم‌ترین چالش موجود کشور بسا عنوان «تعطیل استراتژی» سخن گفت که به تله استراتژیک تبدیل شده است. در این نشست سه‌ساعته، رئیس‌جمهور میزبان جمعی از فعالان سیاسی دو جناح بود و مهم‌ترین محور این جلسه از سوی حاضران وضعیت اقتصادی کشور و مسئله مذاکره با آمریکا عنوان شد.

محسن هاشمی‌فنجانی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، به سازندگی گفت که در این جلسه با بیان اینکه واقعیت امروز ایران را می‌توان به‌عنوان یک تحلیل راهبردی توصیف کرد، گفته است: «این موضوع بدین‌معناست که نه امکان پیشروی روشن و بدون دشواری وجود دارد و نه عقب‌نشینی کم‌زینه ممکن است. به همین دلیل گفته شده که ما در شرایط تعلیق استراتژیک قرار داریم یا به نحوی در یک تله استراتژیک گرفتار شده‌ایم که لازم است این وضعیت مدیریت شود. زیرا در حال حاضر، سایه تهدید و احتمال وقوع جنگ، کشور را در وضعیتی قرار داده که سرمایه‌گذاری، ثبات اجتماعی و تصمیم‌گیری اقتصادی تقریباً به‌حداقل رسیده است. برخی حتی معتقدند که این روند به‌نوعی متوقف شده است. این توقف باعث تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی و افزایش نارضایتی اجتماعی شده و بحران‌های اجتماعی را به‌گونه‌ای فراهم کرده است که می‌تواند یکی از اهداف دشمن برای حمله به ایران باشد. بنابراین، ضروری است که از این وضعیت بی‌ثباتی خارج شویم». او همچنین ادامه داد: «برای عبور از بی‌ثباتی، وظیفه رئیس‌جمهور است که با کمک مقام معظم رهبری و با برنامه‌ای که به ایشان ارائه می‌کند، این مسیر را دنبال کند. چرا که بحران‌های امروز ایران به شکل درهم‌پتیده‌ای ظاهر شده‌اند؛ بحران اول مربوط به سرمایه اجتماعی و رابطه میان دولت و ملت است. دوم، بحران حکمرانی و ضعف شایسته‌سالاری و ناترازی‌های عمیق اقتصادی است و بحران سوم نیز شامل چالش‌های دیپلماتیک و فقدان متحدان مؤثر در عرصه جهانی است. این مسائل در کنار هم، منجر به بحران‌های دیگری همچون بحران فقر و کوچک شدن طبقه متوسط شده‌اند که حل هر یک از این بحران‌ها، مستلزم رعایت تقدم و تأخر است و با اصلاحات جزئی که مدنظر شماست و بدون هماهنگی با سطوح راهبردی امکان‌پذیر نیست و اگر بر روی این مسائل کار نشود، می‌تواند نتیجه معکوس و تشدید بحران‌ها را در پی داشته باشد». رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در ادامه، راهکارهایی را پیشنهاد داد و گفت: «نکته این است که همه این راه‌حل‌ها باید به‌صورت هم‌زمان پیش برود. در غیر این‌صورت، تأخیر در هر بخش می‌تواند بحران‌ها را تشدید کند. اولین راه‌حل این است که سرمایه اجتماعی ارتقا پیدا کند و همبستگی با پذیرش تکرر فرهنگی و اجتماعی انجام شود. همچنین کشور کمی به سمت امنیتی‌زدایی حرکت کند تا زمینه توانمندسازی فراهم شود و امید روشنی برای افراد توانمند ایجاد شود تا بتوانند کشور را از این وضعیت نجات دهند. در مرحله بعد، سیاست‌های رفاهی و اقتصادی واقعی، بسیار مهم است. افزایش دستمزدها باید متناسب با نرخ تورم باشد، نه اینکه مردم در آخر صف بوجه قرار بگیرند و با افزایش اندک حقوق در برابر تورم بالا، ادعا کنیم که رفاه اقتصادی ایجاد می‌کنیم. در کنار آن، حمایت از تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی نیز از ضروریات است. اگر این راهکارها همراه با اصلاح نظام انتصابات و تقویت شایسته‌سالاری نباشد، نتیجه نخواهد داد. باید به کارآمدی نهادها پیردازیم که تنها

از طریق شایسته‌سالاری قابل تحقق است. در سیاست خارجی و منافع بین‌المللی نیز باید تعریف پرد-برد داشته باشیم که برای خروج از مشکلات سیاست خارجی لازم است. در مورد درآمد و هزینه در موضوع انرژی هم باید تصمیم جدی بگیریم تا بتوانیم منابع لازم را فراهم و مشکل محیط‌زیست‌مان را نیز حل بکنیم».

خط قرمز مذاکره

بعد از نشست، علی اصغر شفیعیان، فعال رسانه‌ای، نخستین کسی بود که روایتی کلی از ترکیب این نشست ارائه داد و در صفحه شخصی خود نوشت که رئیس‌جمهور بسا جمعی متنوع از دبیران کل احزاب، شخصیت‌ها و نخبگان سیاسی از طیف‌های اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل دیدار کرده و پای سخنان آنها نشسته است. شفیعیان البته به این نکته مهم نیز اشاره کرد که پزشکian «رئیس‌جمهور همه مردم ایران است» و احزاب، با همه اهمیت‌شان، نماینده تمام جامعه نیستند. احمد شریف، عضو جبهه اصلاحات نیز در گفت‌وگوهایی که پس از نشست داشت به بخشی از سخنان پزشکian اشاره کرد که در پاسخ به طرح موضوع مذاکره با آمریکا گفته بود در جریان سفر به سازمان ملل و تعامل با فرانسه، توافقهایی حاصل شده، اما آمریکا بلافاصله آنها را برهم زده و اساساً اهل مذاکره نبوده است. شریف نقل کرد که رئیس‌جمهور در پایان تأکید کرده تغییری در ترکیب دولت رخ نخواهد داد و عبور از بحران‌ها را در گرو انسجام ملی دانسته است. محمدعلی ابطی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، روایتی انتقادی‌تر از این نشست ارائه داد. از نگاه ابطی، یکی از مشکلات اساسی این است که احزاب در ایران «جدی» نیستند و هشدار داد که بی‌توجهی به سبک زندگی، دغدغه‌ها و خواسته‌های نسل جدید، شکاف میان حاکمیت و جامعه را عمیق‌تر می‌کند. آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران، در این جلسه با بیان اینکه کشور در شرایطی خطر قرار دارد و انسجام ملی، مستقیماً با امنیت ملی و مشروعیت سیاسی پیوند خورده است، تأکید کرد باید فهم مشترک از بحران‌ها و راه‌حل‌ها شکل بگیرد. او با اشاره به شکاف میان دستمزدها و تورم، وعده‌های محقق‌نشده‌ای مانند رفع فیلتر ینگ و تنش‌های مرتبط با سبک زندگی، گفت قربانی وفاقی نباید مردم باشند و تأکید کرد که ما اکنون در همان آینده‌ای زندگی می‌کنیم که پیش‌تر آن را فروخته‌ایم. احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی در این خصوص نوشت که جمع شدن بیش از ۶۰ نفر با دیدگاه‌های متضاد دور یک میز، نه به رئیس‌جمهور کمکی می‌کند و نه به حاضران. زیدآبادی به‌طور خاص، رد مذاکره با آمریکا از سوی پزشکian را «پاک کردن صورت مسئله» دانست و پرسید آیا عدم مذاکره، فشارهای اقتصادی را کاهش می‌دهد یا کشور را بیشتر در تنگنا قرار می‌دهد. او پیشنهاد کرد اگر دولت واقعاً به‌دنبال شنیدن نظرات جریان‌های مختلف است، باید از هر جریان یک نماینده صاحب‌نظر دعوت کند تا در جمعی کوچک، امکان گفت‌وگوی اقتاعی فراهم شود. زیدآبادی هشدار داد که گرفتار شدن رئیس‌جمهور در امور جزئی و اجرایی و نادیده گرفتن تصویر کلان، می‌تواند برای دولت و کشور خطرناک باشد. سعید آجرلو، فعال سیاسی نزدیک به قالیباف، فضای نشست را نسبت به دیدار پیشین پزشکian با رسانه‌ها امیدوارانه‌تر توصیف کرد و گفت پزشکian حاضر نیست زیر بار تفاهمی برود که توان هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای ایران را بگیرد. در میان این تنوع سیاسی، اما غیبت جبهه پایداری قابل‌توجه بود. این جبهه در توییتهای اعلام کرد که «هر چند جبهه پایداری کما فی‌السابق آمادگی کامل برای کمک به رئیس‌جمهور محترم و دولت را دارد؛ ولی پس از معرفی نماینده پایداری برای حضور در این نشست و بنا بر اعلام متولیان جلسه، حضور ایشان را در این نشست به مصلحت ندانستند».

رویکرد دولت ترمیم است، نه تغییر صرف

رئیس‌جمهور نیز در این نشست با بیان اینکه دولت چهاردهم نه عامل ناترازی‌های موجود، بلکه وارث آنهاست، حل آنها را نیازمند زمان،

وفاق و همدلی دانست. او همچنین در خصوص تغییر مدیران تأکید کرد که «رویکرد دولت ترمیم است، نه تغییر صرف؛ چراکه تجربه نشان داده تغییرات شتابزده کارساز نیست. بنای دولت بر تقویت مدیران، رفع کاستی‌ها و افزایش توانمندی‌هاست». گزیده‌ای از مهمترین محورهای سخنان رئیس‌جمهور در این نشست را در ادامه می‌خوانید:

- دولت به مشارکت مردم و نخبگان دعوت می‌کند، اما این به‌معنای فقدان برنامه نیست و برنامه‌های راهبردی مشخصی در حال اجراست.
- دستاوردهای دولت در شرایط دشوار فعلی به‌سادگی محقق نشده و روند پیشرفت آنها ادامه دارد.
- حل مسائل مزمن کشور نه با تصمیمات شتابزده، بلکه از مسیر زمان، وفاق ملی، همدلی اجتماعی و مشارکت واقعی مردم ممکن است.
- دولت آماده مذاکره با طرف‌های خارجی است، اما زیر بار شرایط تحمیلی تحقیرآمیز نمی‌رود و به‌دنبال صلح و عدم قلدری است.
- وحدت و انسجام داخلی و منطقه‌ای، همراه با تعامل مثبت با همسایگان، از اولویت‌های دولت است.
- سیاست خارجی دولت بر تعامل عزتمندانه، صلح و ثبات منطقه‌ای با همسایگان و عدم پذیرش تحمیل‌ها و قلدری استوار است.
- دولت به تنوع سلاقی، باورها و قومیت‌ها احترام می‌گذارد و آماده بستر مشارکت همه مردم برای حل مشکلات است.
- وحدت ملی، پذیرش تنوع اجتماعی و سیاسی و استفاده سازمان‌یافته از ظرفیت نخبگان، احزاب و دانشگاه‌ها برای ارائه راهکارهای عملی، از اولویت‌های دولت است.
- دولت بر تقویت گفت‌وگوی ملی، مدیریت اختلافات به‌جای حذف و رسیدن به فهم مشترک از مسائل کشور تأکید دارد.
- توجه به مسائل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و کاهش فاصله با نسل جدید، فعال‌سازی نهادهای مردمی و مقابله هوشمندانه با تهدیدات خارجی، از اولویت‌های دیگر هستند.
- تمرکززدایی، واگذاری اختیارات به استان‌ها، مسجدمحوری و محله‌محوری، انکای عملی به نهادهای مدنی و مردمی و استفاده از ظرفیت بسیج اجتماعی، ستون‌های عبور از چالش‌ها هستند.
- دولت در حوزه آموزش، جوانان و نسل جدید به سمت اصلاح ساختاری، نوسازی تجهیزات، تحول روش‌های تدریس و توسعه آموزش‌های نوین سیستماتیک حرکت می‌کند.
- اقدامات دولت در حوزه اقتصادی، انرژی، محیط زیست، حمل‌ونقل، آب، آلودگی هوا و کریدورهای ترانزیتی تدریجی و پیگیر بوده و ناترازی‌های وارث شده مدیریت می‌شوند.
- توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، کنترل فلتروزی، تکمیل پروژه‌های زیرساختی و توسعه سواحل مکران از اقدامات بی‌سابقه دولت است.
- مدیریت اختیارات به استانداری‌ها با جدیت دنبال می‌شود و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری اولویت دولت است.
- اقدامات دولت برای بهبود فضای آموزشی و مشارکت مردم در مدرسه‌سازی در حال انجام است و نتایج آن زمان‌بر اما امیدوارکننده است.
- حل مسائل آب و محیط‌زیست با استفاده از کارگروه‌های چندرشته‌ای و مشارکت استانداری‌ها دنبال می‌شود.
- رویکرد دولت در تغییر مدیران، ترمیم و تقویت مدیران است نه تغییر صرف؛ تغییر شتابزده کارساز نیست.
- دولت تلاش می‌کند ناترازی‌های موجود در حوزه‌های مختلف را در کوتاه‌ترین زمان ممکن اصلاح کند و اقدامات در زمینه برق خورشیدی، کاهش آلودگی هوا و کریدورهای ترانزیتی ادامه دارد.
- اصلاح قیمت بنزین و یارانه‌ها برای بهر‌مندی عادلانه همه مردم انجام می‌شود و درآمد حاصل صرف معیشت، سلامت، آموزش و مسکن خواهد شد.
- حمایت از صندوق‌های بازتنشستگی و مدیریت ناترازی‌ها در دستور کار دولت است.

دست بالای پوتین

رئیس‌جمهور روسیه برای غربی‌ها شرط گذاشت

گروه بین‌الملل: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در نشست مطبوعاتی سه‌سالانه حضور یافت و درباره مسائل برجسته‌ای مانند جنگ اوکراین و ارتباط کشورش با غرب صحبت و تأیید کرد که پس از بیرون راندن دشمن از منطقه کورسک، ابتکار عمل استراتژیک به نیروهای روسی منتقل شده؛ به این معنی که نیروها در امتداد خط تماسی که دشمن در حال عقب‌نشینی است، پیشروی می‌کنند.

پوتین در این نشست خبری گفت که مسکو در حال حاضر هیچ نشانه‌ای از آمادگی اوکراین برای بحث درباره مسئله سرزمینی مشاهده نمی‌کند. او در پاسخ به پرسشی در این‌باره گفت «تا این لحظه، ما واقعاً این آمادگی را نمی‌بینیم» و افزود که کی‌یف عملاً از پایان دادن به درگیری از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز خودداری می‌کند. پوتین در ادامه به ریشه‌های این درگیری پرداخت و گفت: «ایسن وضعیت با کودتا در اوکراین در سال ۲۰۱۴ و با فریب دربارۀ امکان حل‌وفصل مسالمت‌آمیز همه مسائل از طریق توافقنامه‌های مینسک شروع شد». پوتین با اشاره به پیشروی‌های روسیه گفت: روسیه از برخی «سیگنال‌ها» ازجمله از سوی کی‌یف، مطلع است که ممکن است اوکراین برای «نوعی گفت‌وگو» آماده باشد. او تأکید کرد روسیه برای پایان دادن به درگیری از راه‌های مسالمت‌آمیز (آماده و مایل) است؛ اما تنها براساس اصولی که سال گذشته در

دیپلماسی

پیش‌بینی یک اتفاق

ایران پیش از هر اتفاقی در ونزوئلا باید سرمایه‌های خود را بیرون بکشد

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

حلقه فشار آمریکا علیه ونزوئلا وارد مرحله‌ای تازه و به‌مراتب تهاجمی‌تر شده است؛ مرحله‌ای که دیگر صرفاً به ادعاهای قدیمی درباره قاچاق موادمخدر یا مقابله با شبکه‌های غیرقانونی محدود نمی‌شود و مستقیماً شریان حیاتی اقتصاد کاراکاس، یعنی نفت را هدف گرفته است. توقیف نفتکش‌ها، تهدید به محاصره دریایی و حتی طرح تلویحی گزینه نظامی، همگی نشان می‌دهد واشنگتن تصمیم گرفته هزینه ماندن نیکلاس مادورو در قدرت را به بالاترین سطح ممکن برساند؛ تصمیمی که پیامدهای آن فراتر از مرزهای ونزوئلا و حتی آمریکای لاتین رفته و به‌طور مستقیم منافع کشورهای چون ایران، چین و روسیه را نشانه گرفته است.

نقطه عطف این روند، اقدام گارد ساحلی آمریکا در رهگیری و توقیف نفتکش «اسکپی» از نزدیکی سواحل ونزوئلا بود؛ نخستین‌بار که واشنگتن به‌طور علنی یک محموله نفتی متناسب به دولت مادورو را ضبط می‌کند. گزارش رویترز مبنی بر حمل نفت تحریم‌شده از ونزوئلا و ایران، این اقدام را به سطحی بالاتر از یک پرونده دوجانبه رساند و آن را به بخشی از تقابل گسترده‌تر آمریکا با شبکه کشورهای تبدیل کرد که در سال‌های اخیر برای دور زدن تحریم‌ها به همکاری با یکدیگر روی آورده‌اند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز با اظهاراتی تهدیدآمیز، نه‌تنها احتمال توقیف‌های بیشتر را تأیید کرد بلکه عملاً گزینه جنگ و حتی حمله زمینی را نیز از روی میز کنار نگذاشت؛ موضعی که بیش از آنکه مقدمه اقدام فوری باشد، بخشی از یک جنگ روانی سنگین علیه کاراکاس و متحدانش تلقی می‌شود.

دستور پیشین ترامپ برای اعمال نوعی «محاصره» علیه نفتکش‌های ورودی و خروجی ونزوئلا، اکنون در حال تبدیل شدن به واقعیتی عملی است. این سیاست، شرکت دولتی نفت ونزوئلا را با مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان مواجه کرده: محموله‌های سرگردان در دریا، افزایش تخفیف‌های اجباری برای فروش نفت، تغییر یکجانبه شرایط قراردادهای و بی‌اعتمادی فزاینده مشتریان. در چنین شرایطی، اقتصاد ونزوئلا که هنوز از پیامدهای ابرتورم و فروپاشی ساختارهای مالی رهایی نیافته، بیش از پیش تحت‌فشار قرار گرفته است. اما آنچه این تحولات را برای تهران به موضوعی حساس

وزارت خارجه روسیه بیان کرده بود و «با رفع ریشه‌های بحران». او همچنین تصرف شهر «پوکرآوسک» در منطقه دوتسک توسط نیروهای روسیه را «رویدادی بسیار مهم» توصیف کرد و گفت این کنترل نظامی «فرصت‌هایی را از آن نقطه ایجاد می‌کند». وی افزود که این شهر «سکوی مناسبی برای عملیات تهاجمی بعدی» محسوب می‌شود. پوتین ادامه داد که ذخایر راهبردی ارتش اوکراین تقریباً از بین رفته و این امر باید دولت کی‌یف را به سمت پایان مسالمت‌آمیز درگیری سوق دهد. رئیس‌جمهور روسیه گفت تلاش‌ها برای مصادره دارایی‌های روسیه در اتحادیه اروپا حتی «دزدی» هم محسوب نمی‌شود، بلکه «راهنای» است. پوتین در اظهارات خود در روز جمعه گفت که روسیه خود را مسئول مرگ انسان‌ها نمی‌داند، زیرا این مسکو نبود که جنگ را آغاز کرد. پوتین در ادامه گفت که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا برای پایان دادن به درگیری اوکراین تلاش‌هایی جدی و صادقانه انجام می‌دهد. رئیس‌جمهور روسیه گفت روابط روسیه و چین به‌صورت مستمر در حال توسعه است و افزود روسیه در میان کشورهای اروپایی، بزرگترین شریک تجاری چین است و حجم تجارت دوجانبه میان دو کشور ۲۴۰ تا ۲۵۰میلیارد دلار است. او افزود روسیه قصد دارد این روابط را در کوتاه‌مدت و بلندمدت ادامه دهد.

ولادیمیر پوتین تأکید کرد که اگر غرب با روسیه با احترام رفتار کند، هیچ عملیات نظامی ویژه جدیدی وجود نخواهد داشت. وی اظهار کرد که اگر شرایط مسکو در مورد ضمانت‌های امنیتی برآورده شود، روسیه آماده است فوراً خصومت‌ها را متوقف کند. روسیه آماده همکاری با بریتانیا و ایالات متحده است، اما به‌طور مساوی. در مجموع، اظهارات ولادیمیر پوتین در این نشست مطبوعاتی را می‌توان تلاشی هدفمند برای تثبیت روایت روسیه از جنگ اوکراین در مقطعی حساس دانست؛ مقطعی که هم در میدان نبرد و هم در عرصه دیپلماسی نشانه‌هایی از تغییر موازنه دیده می‌شود. تأکید پوتین بر انتقال «ابتکار عمل استراتژیک» به ارتش روسیه و برجسته‌سازی تصرف پوکرآوسک، بیش از آنکه صرفاً گزارشی میدانی باشد، پیامی سیاسی به غرب و کی‌یف است مبنی بر اینکه مسکو خود را در موقعیت برتری می‌بیند و نیازی به امتیازدهی شتابزده ندارد. در عین



حال، اشاره به آمادگی مشروط برای گفت‌وگو و پایان مسالمت‌آمیز درگیری، تلاشی برای نشان دادن چهره‌ای منعطف از روسیه است تا مسئولیت تداوم جنگ متوجه اوکراین و حامیان غربی آن شود. پوتین با بازگشت به ریشه‌های بحران در سال ۲۰۱۴ و توافق‌های مینسک، می‌کوشد مشروعیت مواضع کنونی مسکو را بازتعریف کند و جنگ را نتیجه «بی‌اعتمادی تاریخی» و «فریب سیاسی» غرب جلوه دهد. طرح موضع مصادره دارایی‌های روسیه به‌عنوان «راهنای» نیز در همین چارچوب، برای تقویت گفتمان تقابل با غرب و بسیج افکار عمومی داخلی و غیرغربی مطرح می‌شود. هم‌زمان، تأکید بر روابط راهبردی با چین و اشاره مثبت به نقش احتمالی ترامپ، نشان‌دهنده تلاش کرملین برای ترسیم نظم بین‌المللی جایگزین و بهره‌گیری از شکاف‌های درون غرب برای بهبود موقعیت چانه‌زنی روسیه است.

دیپلماسی

تنش ایران وسوئد

سفیر ایران احضار شد

وزیر خارجه سوئد اعلام کرد در پی گزارش‌ها مبنی بر «اصدور حکم اعدام» برای یک شهروند سوئدی در ایران، سفیر ایران در استکهلم به وزارت خارجه این کشور احضار شده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، «ماریا مالمر استرگارد»، وزیر امور خارجه سوئد در یک کنفرانس مطبوعاتی روز جمعه، گفت: «موضع سوئد و اتحادیه اروپا در قبال حکم اعدام کاملاً روشن است. ما همیشه مخالف آن در هر جا و صرف‌نظر از هر شرایطی هستیم و این کاملاً شناخته شده است». او با عنوان کردن اینکه گزارش‌ها مبنی بر «اصدور حکم اعدام» برای یک شهروند سوئدی در ایران، هنوز تأیید نشده‌اند، گفت: «روز چهارشنبه وزارت امور خارجه سوئد بنا بر این، سفیر ایران را احضار کرد تا اعتراضات ما را علیه این حکم ابلاغ کند». سخنگوی قوه قضائیه پیش‌تر گفته بود که متهم مذکور فردی دو تابعیتی بوده که به جرم جاسوسی و در جریان جنگ ۱۲روزه بازداشت شد. جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به پرونده‌ای در استان البرز که مربوط به یک جاسوس دو تابعیتی (شهروند سوئد از سال ۱۳۹۹) است، گفت: متهم، فردی دو تابعیتی بود که از سال ۱۳۹۹ تابعیت سوئد را دریافت کرده و در این کشور اقامت داشته است. متهم در سال ۱۴۰۲ جذب سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی شده و پس از آموزش در ۶ کشور اروپایی، آخرین بار ۲ هفته قبل از ورود به ایران، به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده بود. وی گفت: متهم یک ماه قبل از شروع جنگ تحمیلی دوم اخیر، وارد ایران شده و در ویلایی در اطراف کرج مستقر شده بود. او تجهیزات الکترونیکی جاسوسی همراه داشت که توسط ضابطین شناسایی و متهم در جریان جنگ ۱۲روزه دستگیر شد. جهانگیر ادامه داد: پرونده متهم در شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی، مورد رسیدگی قرار گرفته و رئیس کل دادگستری استان البرز اعلام کرده است که رأی پرونده به‌زودی صادر خواهد شد.

كُلُّ مَنْ عَلَيَّهَا قَانِ

برادر ارجمند

جناب آقای

سیدمصطفی فیض‌اردکانی

مراتب تسلیت بنده را

در فقدان پدر گرمی‌تان پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی

و خلد برین سرایشان باد.

سیدحسین مرعشی



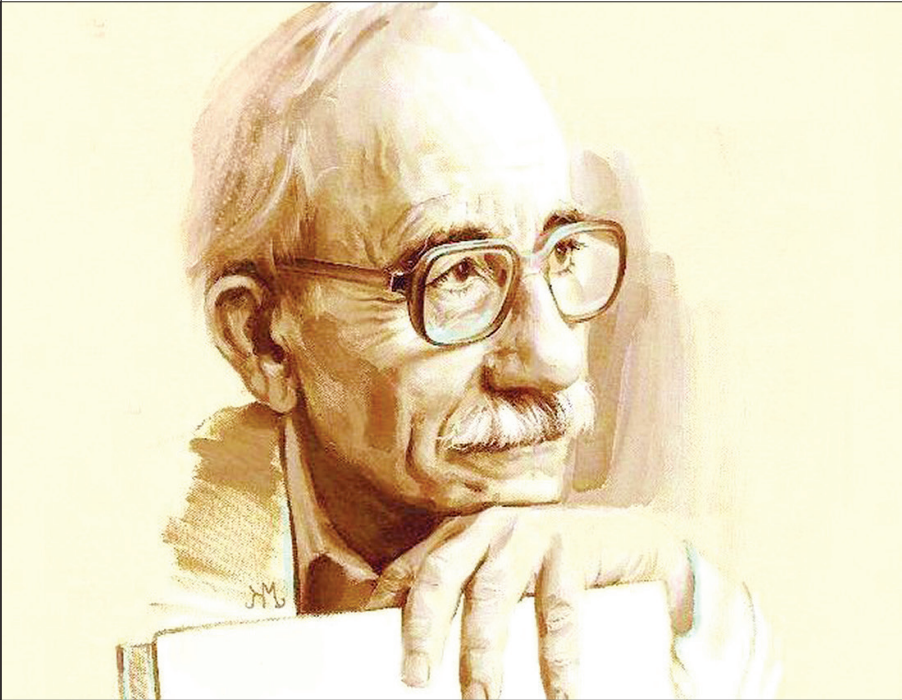
تحول در ونزوئلا باشد.

در این میان، پیام اقدامات آمریکا محدود به ایران نیست. چین و روسیه نیز هر یک با سطحی متفاوت از ریسک مواجهند. برای چین ونزوئلا پیش از هر چیز یک پرونده اقتصادی است. پکن به‌عنوان بزرگ‌ترین طلبکار کاراکاس، میلیاردها دلار در بخش انرژی این کشور سرمایه‌گذاری کرده و بیش از آنکه نگران شکست ژئوپلیتیکی باشد، دغدغه بازپرداخت بدهی‌ها و ثبات اقتصادی را دارد. عمل‌گرایی سنتی چین باعث می‌شود که با هر دولتی که توان مدیریت اقتصاد و تضمین تعهدات مالی را داشته باشد، همکاری کند. اما برای روسیه، ماجرا ماهیتی عمیقاً ژئوپلیتیکی دارد. ونزوئلا برای مسکو ابزاری برای نمایش قدرت در «حیات خلوت» آمریکا و نمادی از توانایی کرملین در حمایت از متحدانش بوده است. سقوط مادورو، آن‌هم پس از تجربه موفق روسیه در سوریه، می‌تواند ضربه‌ای جدی به اعتبار راهبردی ولادیمیر پوتین وارد کند. از دست رفتن حضور نظامی، اطلاعاتی و نفوذ سیاسی در ونزوئلا، به‌معنای عقب‌نشینی محسوس روسیه از نیم‌کره غربی خواهد بود. در مجموع تشدید محاصره آمریکا علیه ونزوئلا، تنها یک بحران منطقه‌ای در آمریکای لاتین نیست؛ بلکه صحنه‌ای است که در آن، منافع و اعتبار بازیگران متعددی به‌ویژه ایران به آزمون گذاشته می‌شود. آینده دولت مادورو، بیش از هر زمان دیگری، به تغییری تعیین‌کننده در محاسبات راهبردی تهران تبدیل شده است؛ تغییری که می‌تواند میان تداوم یک شرارت پر هزینه یا ثبت یک شکست دیگر در کارنامه سیاست خارجی ایران، خط تمایز بکشد.

یاد

نغمه‌سرای کودکان

یادی از **عباس یمینی‌شریف** در سالگرد درگذشتش



عباس یمینی شریف در دوره‌ای شعر کودک می‌سرود که ادبیات کودک مستقل نداشتیم اما شعرهایش تعلیمی بود و از این جهت نقدهای تندی به او وارد شد.

یمینی شریف که ۲۸ آذر ۱۳۶۸ در ۷۰ سالگی از دنیا رفت، خود را این‌گونه معرفی کرده بود: «من نغمه‌سرای کودکانم / شادست ز مهرشان روانم / عباس یمینی شریقم / گیرید ز کودکان نشانم».
کودکان دیروز شعر «من یار مهربانم / دانا و خوش‌زیانم / گویم سخن فراوان / با آن‌که بی‌زیانم / پندت دهم فراوان / من یار پنددانم / من دوستی هنرمند / با سود و بی‌زیانم / از من مباش غافل / من یار مهربانم» او را در حافظهٔ جمعی خود دارند اگر چه ممکن است او را با نامش به یاد نیاورند، یا شعر «ما گل‌های خندانیم فرزندان ایرانیم / ما سرزمین خود را مانند جان می‌دانیم / ما باید دانا باشیم هوشیار و بینا باشیم / از بهر حفظ ایران باید توانا باشیم / آباد باش ای ایران آزاد باش ای ایران / از ما فرزندان خود دل‌شاد باش ای ایران» او در ذهن‌ها ماندگار شده است.

آغازگر کیهان بچه‌ها

عباس یمینی شریف، اول خرداد سال ۱۲۹۸ شمسی در محلهٔ پامنار تهران به دنیا آمد و دانش‌آمختهٔ مدرسهٔ دارالفنون بود و سال ۱۳۱۷ در دانشسرای مقدماتی به تحصیل پرداخت. سال ۱۳۲۱ اولین شعرش برای کودکان در مجلهٔ «نونه‌الان» منتشر شد. در سال ۱۳۲۳ با ابراهیم بنی‌احمد مجلهٔ «بازی کودکان» را منتشر کرد و سال ۱۳۲۴ شعرهای او در کتاب‌های درسی دورهٔ ابتدایی ایران وارد شد. سال ۱۳۳۲ یمینی‌شریف با بورس دولتی به آمریکا اعزام شد و یک سال در دانشگاه کلمبیا به تحصیل دورهٔ تخصصی در آموزش کودکان پرداخت و درجهٔ فوق‌لیسانس دریافت کرد. در سال ۱۳۳۴ دبستان «روش نو» را با همسرش توران مقومی پایه گذاشت که بعدها با گسترش فعالیت به مجموعه آموزشی از کودکانستان تا پایان دورهٔ راهنمایی تبدیل شد. در دی ۱۳۳۵ به پیشنهاد جعفر بدیعی اولین شمارهٔ مجلهٔ «کیهان بچه‌ها» از طرف مؤسسه کیهان انتشار یافت. جعفر بدیعی سردبیر و عباس یمینی شریف مشاور این نشریه بودند. جعفر بدیعی بعدها به‌عنوان صاحب امتیاز و عباس یمینی شریف به‌عنوان مدیر مجله معرفی شدند. آن‌ها تا سال ۱۳۵۸ با مؤسسهٔ کیهان همکاری داشتند. عباس یمینی‌شریف از بنیان‌گذاران «شورای کتاب کودک» نیز بود. بیش از ۳۰ اثر شعر و داستان او در دوران حیاتش به انتشار رسید و برنده جوایز متعدد در ادبیات کودکان شد.

سال ۱۳۵۸ انتشارات «روش نو» توسط عباس یمینی شریف تأسیس شد و آخرین کتاب‌هایش توسط روش نو به چاپ رسید. بعد از او همسرش توراندخت مقومی تهرانی فعالیت انتشارات را ادامه داد و کتاب‌های جدید و نایاب یمینی شریف را منتشر کرد. برخی از آثار عباس یمینی شریف عبارتند از «باغ دوستی»، «پلنگ یک‌ه‌تاز»، «شعر با الفبا»، «سیاهک و سفیدک»، «خانهٔ بابا علی»، «نیم

قرن در باغ شعرکودکان (خاطرات)»، «شهر ناپیدیان»، «گل‌های گویا»، «آوای نوگلان» و «جزیرهٔ مرجان».

تقابل صمد و عباس

مصطفی رحماندوست، شاعر ادبیات کودک و نوجوان، جایگاه عباس یمینی‌شریف را در ادبیات کودک و نوجوان آغازگری می‌داند: «یمینی راه را باز کرد تا بعدی‌ها بیایند و کار درست و حسایی‌تری انجام دهند». در واقع او در زمانه‌ای شعر کودک سرود که ادبیات مستقلی برای کودکان نداشتیم و از این منظر رفتار یمینی شریف نواندیشانه بود اما نگاهش به شعر سنتی بوده و آن را ابزاری برای تعلیم و تربیت می‌دانست».

صمد بهرنگی در نقد او نوشته بود: «می‌توان گفت اثر عباس یمینی شریف خیلی از مرحله پرت است. این «جزوهٔ ناظم» هیچ پیامی برای بچه‌ها ندارد، جز مقداری سرگرمی از راه لفاظی و پرحرفی و مشتی احکام کلی اخلاقی و احیاناً متحجر».
که یمینی شریف در پاسخ به او گفته بود: «اکنون باید به‌نفع کشور و فرزندان کشور و سود توسعه و ترقی این رشته از ادبیات، فعالیت‌های شایسته‌ای انجام گیرد. ادبیات کودکان را در خط خود بیندازند و سادگی و صراحت و سلامت روانی را در این آثار حفظ کنند و ادبیات کودکان را مانند خود کودکان پاک و ساده و بی‌آلایش نگاه دارند. ادبیات کودکان را گودال تخلیهٔ عقده‌های وجود نکنند و آن‌چه را که از ناراحتی و غم و یأس و بدبختی و نفرت دارند، در قالب کلمات مبهم و جملات پیچیده که بیش‌تر به لغز و معما شبیه است تا به داستانی یا شعری برای کودکان، نریزند و دیگران را هم به پیروی از خود دعوت نکنند. اگر دردی دل‌آزار و غمی جانکاه دارند، از وضع روزگار و اوضاع خود ناراضی‌اند، در کارهای خود شکست‌خورده و خیال و گله و اعتراض و شکوه و شکایت دارند، آن‌ها را در قالب نوشته‌هایی برای بزرگسالان بریزند و دست از سر ادبیات کودکان بردارند».

محمود کیانوش هم دربارهٔ یمینی شریف گفته بود: «یمینی شریف باور نکرد که شاعر نیست و آن‌چه می‌سازد، نه شعر است، نه حتی وسیله‌ای برای سرگرمی کودکان؛ چنان‌که انتظارشان را از شعر گمراه نکند. با باز باور نکرد که قبول او نشانه خالی بودن میدان بود، نه پهلوانی او».

اسدالله شعبانی، شاعر نیز یمینی شریف را شاعری با کوشش‌های فراوان و پشتکار زیاد که با علاقه و دلبستگی‌اش به دنیای کودکان، توانسته به دنیای رنگین کودکان راه پیدا کند می‌خواند و در آسیب‌شناسی شعر او می‌گوید: «یمینی شریف را شاعری در دوره‌ه سنت و تجدد می‌یابم که همچون اسلاف خود، شعر کودک را ابزاری برای آموزش کودکان می‌پندارد و از این رهگذر، آموزه‌های رایج اخلاقی را با زبانی مستقیم و شعارگونه و گاه کلیشه‌وار، به کودکان تحمیل می‌کند. با این همه هرگاه یمینی شریف با تکیه بر بازی‌های کلامی و طنز کودکان‌اش، توانسته است خود را از چنبره محتوایی آموزشی شعر بیرون بکشد، به همان نسبت شعر او درخشیده است».

نشست رونمایی از کتاب «امت در فراسوی نیک و بد» که به بررسی مواضع هفته‌نامه «امت»، ارگان مطبوعاتی جنبش مسلمانان مبارز در سال‌های آغازین انقلاب(۵۹–۵۸) پرداخته، با حضور احسان خدیوی نویسنده کتاب و دکتر بهزاد حق‌پناه، مسئول وقت شاخهٔ اصفهان جنبش مسلمانان مبارز پنج‌شنبه شب در شهر کتاب بهار اصفهان برگزار شد. نشست که صرفاً یک جلسه معرفی کتاب نبود بلکه به صحنه‌ای برای گفت‌وگوی نسلی، بازاندیشی تاریخی و مواجهه دو نوع نگاه به سیاست بدل شد. یک‌سو دکتر حق‌پناه، کنشگر و شاهد مستقیم تحولات سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷ و دهه نخست پس از آن و سوی دیگر خدیوی، پژوهشگر تاریخ معاصر که با فاصله زمانی و با تکیه بر متن، سند و روش پژوهش تاریخی به آن تجربه بازگشته است. حاصل این مواجهه، گفت‌وگویی جالبشی اما پریار درباره فهم سیاست، انتقال تجربه، خطاهای یک نسل و میراث فکری آن بود.

تاریخ به‌مثابه حافظه جمعی

حق‌پناه، سخنان خود را با تأکید بر اهمیت اصل پروژه آغاز می‌کند. از نظر او، بی‌توجهی به تجربه نیروهای سیاسی دهه ۵۰ و سال‌های نخست انقلاب، به معنای حذف بخشی از تجربه اجتماعی ایران است. او تصریح می‌کند که سخنش نه از موضع اعتقادی و نه در مقام داوری ارزشی است، بلکه از منظر استراتژیک و خط‌مشی سیاسی مطرح می‌شود. به باور او، نیروهایی مانند جنبش مسلمانان مبارز و حزب توده، صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن مواضع‌شان، در شکل‌دهی به تحولات آن دوران نقش داشته‌اند و نمی‌توان آن‌ها را از روایت تاریخ حذف کرد. حق‌پناه بر این نکته دست می‌گذارد که بسیاری از نیروهای اجتماعی ایران در آن مقطع، تجربه فعالیت در شرایط نیمه‌دموکراتیک نداشتند. جز نهضت آزادی و بخشی از فعالان خارج از کشور، اغلب نیروها نخستین مواجهه جدی خود با سیاست علنی، قدرت و رقابت سیاسی را تجربه می‌کردند. همین فقدان تجربه، به خطاهای نظری و عملی فراوانی انجامید؛ خطاهایی که اگر به نسل‌های بعد منتقل و تحلیل می‌شد، شاید تکرار نمی‌شد.

تاریخ‌نگاری با انکا به متن

خدیوی ضمن قدردانی از نقدها، در پاسخ تأکید می‌کند پروژه او اساساً یک کار تاریخی است، نه مداخله سیاسی. او خود را در جایگاهی نمی‌بیند که بخواهد دربارهٔ درست یا غلط بودن مواضع

سینمای جهان

جنبش علیه بازرگان

رونمایی و نقد و بررسی کتاب **امت در فراسوی نیک و بد**

داوری کند، بلکه هدفش بازسازی تجربه‌ای است که اغلب یا به کلی حذف شده یا به شکلی کاریکاتوری روایت شده است. به همین دلیل کتاب تلاش کرده تا حد امکان از موضع‌گیری شخصی پرهیز کند و داده‌ها را به شکلی عرضه کند که خواننده خود به تحلیل برسد. او توضیح می‌دهد چرا تمرکز کتاب بیش از آن‌که بر تشکیلات جنبش مسلمانان مبارز باشد، بر هفته‌نامهٔ «امت» قرار گرفته است مسئله‌ای که یکی از محورهای اصلی نقد حق‌پناه است. خدیوی می‌گوید در پژوهش تاریخی، انتخاب منبع نه بر اساس علاقه، بلکه بر اساس دسترس‌پذیری، قابلیت راستی‌آزمایی و انسجام انجام می‌شود. در مورد جنبش، تاریخ شفاهی عملاً با بن‌بست مواجهه بوده است.

سکوت، امتناع و دشواری تاریخ شفاهی

به گفتهٔ احسان خدیوی، دکتر حبیب‌الله پیمان (به‌عنوان چهره محوری جنبش) تمایل چندانی به گفت‌وگوی باز نداشتند و جلب اعتماد ایشان بسیار زمان‌بر بود. بسیاری از فعالان قدیمی نیز با حاضر به صحبت نبودند یا مواجهه‌ای عاطفی و گاه آمیخته به احساس گناه با گذشته داشتند. محمد ترکمان، از بنیان‌گذاران امت، نمونه‌ای از این وضعیت است: «هر بار که بحث گذشته پیش می‌آمد، از پاسخ طفره می‌رفت و گفت‌وگو عملاً متوقف می‌شد». در چنین شرایطی، خدیوی ناگزیر بوده است به سراغ متنی برود که باقی مانده، منتشر شده و امکان تحلیل روشنمند دارد. نشریهٔ «امت». به باور او، این انتخاب نه به معنای نادیده‌گرفتن تشکیلات، بلکه نتیجه محدودیت‌های واقعی پژوهش تاریخی است؛ محدودیت‌هایی که اغلب در روایت‌های غیرآکادمیک نادیده گرفته می‌شوند.

امت و تولید گفت‌مان انقلابی

یکی از نقاط قوت کتاب «امت در فراسوی نیک و بد»، به‌زعم حق‌پناه، بازنمایی دقیق مواضع فکری امت و دکتر پیمان است. او یادآوری می‌کند مفاهیمی چون «مکتب» و «خط امام» نخستین‌بار در همین فضا صورت‌بندی شدند؛ مفاهیمی که در آن زمان تعریف روشنی نداشتند اما تأثیر عمیقی بر فضای ذهنی و سیاسی کشور گذاشتند. این مفاهیم بعدها به ابزار بسیج، حذف و مشروعیت‌بخشی بدل شدند. خدیوی نیز تأکید می‌کند در کتاب، فصل‌های مستقلی به تحلیل مفهوم «خط امام» اختصاص یافته است. او نشان می‌دهد چگونه این مفهوم از یک برچسب سیال و مبهم، به‌تدریج به یک گفت‌مان مسلط تبدیل

چالش پناهی در اسکار

آریل دورفمن خواستار احقاق حق خود در فیلم یک تصادف ساده شد

ساخته جعفر پناهی استعلام کرد. دورفمن در پاسخ به فردی به‌نام سجاد نوروزی توضیحاتی درباره ماجراهایی که درباره نمایشنامه او و ساخت «یک تصادف ساده» رخ داده، ارائه داد و از این منتقد برای شفاف‌سازی در این‌باره تشکر کرد. دورفمن در ابتدای پاسخ خود نوشت: «از پرسش‌های شما درباره ارتباط من با فیلم «یک تصادف ساده» سپاسگزارم. از زمانی که درباره این فیلم شنیده‌ام، واقعاً نمی‌دانستم باید چگونه به آن واکنش نشان دهم و شما این فرصت را فراهم کردید که اکنون، از ایران، نخستین گام را برای روشن‌سازی این موضوع بردارم». این نویسنده در آن نشریه نوشته بود: «در سال ۲۰۰۹، دقیقاً در ۲۹ نوامبر، ایمیلی از الیور دانجی، تهیه‌کننده بریتانیایی، دریافت کردم که به نمایندگی از پناهی درباره خرید حقوق اقتباس نمایشنامه و فیلم من برای ساخت یک اقتباس سینمایی پرس‌وجو کرده بود. از آنجا که به کار پناهی بسیار علاقه‌مند بودم، مذاکراتی برای بررسی این امکان آغاز کردم؛ از طریق ایمیل‌های خودم و همچنین نماینده‌ام در بریتانیا، جولیا تیریل. بسیاری از این مکاتبات مستقیماً با جعفر صورت گرفت، تا جایی‌که او فیلمنامه احتمالی کار را که قصد ساختش را داشت، برای من فرستاد؛ فیلمنامه‌ای که بسیار نزدیک به ساختار اثر من بود. من به پیشنهاد او علاقه‌مند شدم، فقط اشاره کردم که پایان‌بندی او (جایی که پزشک اعدام می‌شود) اشتباه است، چون دیگر به قربانی فرصت نمی‌دهد که به امکان بخشایش فکر کند؛ به ضرورت نشان‌دادن «رحم»، نیاز به عبور از چرخه انتقام بی‌پایان و نیاز به دفن گذشته تا همیشه در بند آن نمانیم. او پاسخ داد که این پایان خوش‌نتبار در ایران ضروری

آریل دورفمن، نویسنده و نمایشنامه‌نویس سرشناس شیلیایی با طرح یک ادعا مبنی بر الهام گرفته شدن فیلم «یک تصادف ساده» از نمایشنامه معروفش، خواستار این شد که شخصیت‌ها، طرح داستان و چشم‌انداز فکری او به‌طور رسمی از سوی سازندگان این فیلم به رسمیت شناخته شود.

سه‌شنبه هفته گذشته، آکادمی علوم و هنرهای سینما فهرست‌های کوتاه نامزدهای نودوهشتمین دوره جوایز اسکار شامل ۱۵ نامزد اولیه شاخه بهترین فیلم بین‌المللی را منتشر کرد. «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی (فیلمساز ایرانی) هم به نمایندگی از فرانسه در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی به فهرست ۱۵ نامزد اولیه راه یافت. اما پیش از معرفی نامزدهای اسکار، مطلبی به نقل از آریل دورفمن (نمایشنامه‌نویس معروف شیلیایی) در فضای مجازی منتشر شد که اورجینال بودن فیلمنامه «یک تصادف ساده» به کارگردانی جعفر پناهی را زیر سوال می‌برد.

آن مطالب حاوی اظهاراتی از دورفمن، درباره دریافت ایمیلی در سال ۲۰۰۹ از الیور دانجی، تهیه‌کننده بریتانیایی به نمایندگی از پناهی درباره خرید حقوق اقتباس نمایشنامه «مرگ و دوشیزه» برای ساخت یک اقتباس سینمایی بود. در آنجا به نقل از این نمایشنامه‌نویس اشاره شده که با وجود مکاتبات طولانی، به دو دلیل خاص، قراردادی امضا نشده ولی حالا که فیلم «یک تصادف ساده» ساخته شده، او با نظر مشاورانش در حال پیگیری ماجراست. در واقع مجله رفقای نقد، نامه‌ای به آریل دورفمن مؤلف نمایشنامه «مرگ و دوشیزه» نوشت و از او درباره فیلم «یک تصادف ساده»



بومی سازی خانواده بورژوای نروژی

نسخه ترمیم شده سارا به نمایش درآمد

شده، علاوه بر حفظ فضای اجتماعی آن داستان، وقتی فیلم را تماشا می کنیم، می بینیم فقط بحث فضای اجتماعی دهه ۵۰ هجری شمسی نیست، بلکه فراتر از انسان ایرانی است و درون مایه فلسفی در بطن اثر به چشم می خورد. در فیلم «سارا» هم یک بومی سازی از یک خانواده بورژوای نروژی در قرن ۱۸ میلادی صورت گرفته است و آنها به زن و شوهر جوانی در دهه ۷۰ هجری شمسی در تهران تبدیل شده اند. علاوه بر اینها مهرجویی تلاش کرده حال و هوایی که در آن دهه بر ایران حاکم بوده، به شکل مستتر در درون اثر گسترش بدهد و از این رو فیلم تبدیل به اثری از داریوش مهرجویی شده، نه اینکه فقط اقتباسی از نمایشنامه هنریک ایبسن باشد. این ویژگی ای بود که مهرجویی در همه آثار اقتباسی اش داشت.

یاری در ادامه این نشست اظهار کرد: مهرزاد دانش، نکته درستی را درباره بومی کردن گفت: قصه ای که نگاه اصلی آن از نروژ می آید و صد درصد ایرانیزه می شود. این همان کاری است که ناصر تقوایی با «ناخدا خورشید» می کند؛ یعنی شما وقتی رمان را می خوانید و بعد فیلم را نگاه می کنید، نمی دانید کدام اول بوده است. همینگوی اول نوشته است یا تقوایی. اینقدر ایرانی می شود. همان کاری که کیومرث پوراحمد با «قصه های مجید» می کند و آن را از کرمان با آداب و سنن و لهجه متفاوت، به اصفهان می آورد و کاملاً اصفهانی می کند. تمام آثاری که داریوش مهرجویی می سازد (و سخت است زندیاد را برای او به کار برد) این شکلی هستند.

او اضافه کرد: جدا از بومی سازی، در همه این فیلم ها مسئله، تاب آوری یا رفتن است. مثل «لیلا» که با همه سرزندگی اش، زمانی که برای خواستگاری برای شوهرش می رود و به ظاهر خوشحال است که او، انتخاب کرده است با ورود زن می رود، چون انتظار دارد آن مرد تا آن لحظه آخر، اگر اسمش عشق است، او را حفظ کند. در بقیه آثار مهرجویی هم این دیده می شود.

دانش در بخش پایانی در توصیف ترجیع بند ترک کردن شخصیت های زن در آثار داریوش مهرجویی، آن را یک مکاشفه نامید و گفت: مهرجویی در اقتباس ها به گونه ای عمل می کند که آن را به اثری از دنیای خود فیلمساز تبدیل می کند و نه فقط اقتباسی که انجام شده است. در «لیلا»، یک نگاه اگرستانسالیستی وجود دارد که این آدم می خواهد باز هم خودش را از طریق همراهی با احجاف روا شده بر او، از طرف خانواده همسرش اثبات کند. «سارا» هم خانه را ترک می کند. در همه این زنانه ها، شخصیت داستان، موقعیت را ترک می کند. علاوه بر «سارا»، در «لیلا» و «بانو» هم این شکلی است. در «بانو» وقتی او در خانه ساکن است و شوهرش که ترکش کرده، برمی گردد، این بار اوست که وی را ترک می کند. این ترک کردن، فرار کردن نیست بلکه یک نوع مکاشفه، هجرت و مهاجرت است و این کوچ کردن برای شناخت خویشتن و پیدا کردن دوباره خود است. اینطور نیست که بخواهد فرار کند و از یک موقعیت سخت و دلهره آور گریزان باشد. «سارا» در مکالمه طولانی با همسرش هم به همین موضوع اشاره می کند که من می روم تا خودم را پیدا کنم.

در یک نشست سینمایی با یادی از داریوش مهرجویی و بازیگران فقید فیلم «سارا» گفته شد: مهرجویی در اقتباس از آثار ادبی به گونه ای عمل کرده که نتیجه کار فقط اقتباس نبوده، بلکه آن اثر به فیلمی از خود مهرجویی بدل شده است.

در اولین نشست از سلسله نشست های اقتباس در سینمای ایران که در موزه سینما برگزار شد، فیلم سینمایی «سارا» ساخته داریوش مهرجویی به نمایش درآمد و عباس یاری و مهرزاد دانش (منتقدان سینما) وجوه مختلف زیبایی شناسانه اثر را مورد نقد و بررسی قرار دادند. این نشست عصر روز پنج شنبه (۲۷ آذرماه) با نمایش نسخه مرمت شده فیلم «سارا» در سالن فردوس موزه سینمای ایران همراه بود؛ نسخه ای که به همت فیلمخانه ملی ایران مرمت شده است.

در بخشی از این برنامه مهرزاد دانش، اهتمام برای اکران فیلم های مرمت شده و جریان ساز تاریخ سینمای ایران را فرصتی جذاب برای ایجاد گفت وگو بین دو نسل مختلف از جامعه دانست و گفت: اکران فیلم های مرمت شده و جریان ساز تاریخ سینمای ایران، برای ما که این فیلم ها را در زمان خودشان دیده ایم، یک تجدید خاطر، بازبینی مجدد و مجالی برای کشفیات تازه است. از نظر من، مهم ترین مزیت این نوع اکران ها، آشنایی نسل جوان تر کشور با این آثار است، چون دسترسی به این فیلم ها با دشوار است یا انگیزه ای برای جست وجوی آن در اینترنت، دانلود و تماشایش با کیفیتی نه چندان مطلوب وجود ندارد، در نتیجه این نوع اکران ها علاوه بر حفظ میراث فرهنگی کشور، باعث می شود نسل جوان هم با این گنجینه ها بیشتر آشنا شوند. چه بسا که با رشد فکری نسل جدید و افزایش آگاهی شان نسبت به نسل ما، بتوانند در این گنجینه ها به کشف و شهود بهتری نسبت به نسل قبل، دست یابند. خیلی خوشحالم که در این جمع، دوستان جوانی را هم می بینم که در زمان اکران فیلم، با بچه بودند و یا به دنیا نیامده بودند تا این فیلم را ببینند و الان اینجا فرصت برای آنها فراهم شده است. این منتقد سینما راجع به مقوله اقتباس در کارنامه سینمایی داریوش مهرجویی، عنوان کرد: «سارا» اقتباسی از نمایشنامه «خانه عروسک» اثر هنریک ایبسن است و این اقتباس، چیز جدیدی در سینمای مهرجویی نیست. تقریباً می توان گفت به جز چند فیلم که فیلمنامه اورجینال داشتند، اکثر فیلم های مهرجویی براساس اقتباس ساخته شده اند و این دایره اقتباس چنان گسترده است که هم آثار دراماتیک شامل نمایشنامه ها و رمان ها و هم آثار غیرداستانی مثل «ترس و لرز» کی پر گگور و نیز نویسنده های خارجی و نویسنده های ایرانی را در بر می گرفته است. این گستره آثاری که مهرجویی از آنها اقتباس می کرد، محدود به طیف خاصی نبود و مهم ترین ویژگی اقتباس در سینمای مهرجویی این است که فقط یک بازآفرینی نیست؛ زیرا مهرجویی، افزونه ای به متن اصلی برای مخاطبان به ارمغان می آورد.

او ادامه داد: این افزوده ها حالت الصافی ندارند و در تار و پود فیلم تنیده شده اند. برای همین، در «دایره مینا» که براساس «آشغال دونی» غلامحسین ساعدی ساخته



برابر پرسش های مربوط به حزب توده، خود نشانه ای از این رقابت پنهان است.

واقعیت اجتماعی و اراده گرایی انقلابی

حق پناه یکی دیگر از نقدهای خود را متوجه فاصله تحلیل ها با واقعیت اجتماعی می کند. او یادآوری می کند که در سال ۵۸، بخش عمده جمعیت ایران روستایی و کم سواد بود و بسیاری از شهرنشینان نیز مهاجران تازه وارد از روستاها بودند. در چنین شرایطی، طرح شعارهایی چون «جامعه بی طبقه توحیدی» یا تأکید افراطی بر شوراها، بیش از آن که ریشه در واقعیت داشته باشد، حاصل اراده گرایی ایدئولوژیک بود. خدیوی در پاسخ، این مسئله را به پارادایم مسلط آن دوران پیوند می زند. او با ارجاع به اندیشه توماس کوهن، توضیح می دهد انسان ها داده هایی را می پذیرند که با چارچوب ذهنی شان سازگار است. در آن دوره، پارادایم غالب، تحت تأثیر مارکسیسم-لنینیسم، انقلاب های جهان سوم و شکست لیبرالیسم پس از کودتای ۲۸ مرداد شکل گرفته بود. کتاب، به گفته او، می کوشد این پارادایم را بازسازی کند، نه آنکه از موضع امروز آن را محکوم یا تطهیر کند.

دستاوردها، شکست ها و میراث

با وجود همه اختلاف نظر ها، هر دو طرف بر دستاوردهای فکری و فرهنگی دکتر پیمان و هفته نامه «امت» تأکید دارند. آموزش متد اندیشیدن، پرورش کادر، فاصله گرفتن از دوگانه های صفر و صدی و تأثیرگذاری بر بخشی از روشن فکران و مدیران آینده، از جمله این دستاوردهاست. بسیاری از نیروهایی که بعدها در جریان های ملی- مذهبی، اصلاح طلب یا نشریاتی چون «ایران فردا» فعال شدند، از این تجربه تأثیر پذیرفتند. در نهایت، گفت وگوی حق پناه و خدیوی نشان می دهد مسئله جنبش مسلمانان مبارز و «امت» نه صرفاً یک موضوع تاریخی، بلکه پرسشی زنده درباره سیاست، تجربه، خطا و امکان یادگیری جمعی است. بازخوانی این تجربه، بیش از آنکه برای داوری درباره گذشته باشد، برای فهم اکنون و آینده سیاست در ایران اهمیت دارد.

حقوق نمایشنامه من «مرگ و دوشیزه» را خریداری کند که به دلیل فشارهایی که علیه او وجود داشت، محقق نشد و نیز ناامیدی من از اینکه او اذعان نکرده است فیلم جدیدش از اثر من الهام گرفته شده است. من فیلم «یک تصادف ساده» را ندیده ام، اما گمان می کنم شاهکاری باشد و به مخاطبان در ایران و سراسر جهان کمک کند تا با همان مسائل مربوط به بخشش، که من در نمایشنامه و فیلمم به آن پرداخته ام (و نیز در بسیاری دیگر از آثارم که به طور گسترده به فارسی منتشر شده اند) رویه رو شوند. براساس آنچه درباره این فیلم شنیده ام این اثر نیز همچون کارهای من، به کاوش در وظیفه دشوار مواجهه با گذشته ای آکنده از درد و وحشت می پردازد، آن هم به شیوه هایی که ما را به دشمنان خود تبدیل نکند. نمی خواهم سخنان کنونی ام به فیلم او یا به خود پناهی آسیب بزند، اما بسیار قدر دان خواهم بود اگر شخصیت ها، طرح داستان و چشم انداز فکری من به طور رسمی از سوی سازندگان فیلم به رسمیت شناخته شود. برای پناهی آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم این موضوع همانگونه که شایسته است میان هنرمندان و میان همه ما که خواهان ایرانی مبتنی بر عدالت و حفظه تاریخی هستیم، حل و فصل شود).

«مرگ و دوشیزه» نمایشنامه ای از آریل دورفمن، نمایشنامه نویس شیلیایی است که در سال ۱۹۹۰ نوشته شده است. اولین اجرای جهانی آن در ۹ ژوئیه ۱۹۹۱ در تئاتر رویال کورت لندن به کارگردانی لیندسی پوزن روی صحنه رفت. این نمایشنامه در ۱۹۹۲ موفق به کسب جایزه لارنس اولیویه برای بهترین نمایشنامه جدید شد. این نمایشنامه پیش از این و در سال ۱۹۹۴ توسط رومن پولانسکی در یک فیلم سینمایی با همین نام مورد اقتباس قرار گرفته است. تاکنون بسیاری از آثار ادبی آریل دورفمن از جمله رمان، شعر، نمایشنامه، سفرنامه، مقاله سیاسی و نقد ادبی از جمله «آلگرو»، «بیوها»، «شکستن طلسم وحشت»، «ناپدیدشدگان»، «اعتماد»، «پیامی به شش میلیاردین کودک جهان: مویه کن دلبندم»، «خانه ام آتش گرفته است»، «شورش خرگوش ها»، «آخرین آواز مانوئل سندرو»، «آخرین والس در سانتیاگو و دیگر اشعار تبعد و غیبت» و «اشباح داروین» در ایران به فارسی ترجمه و منتشر شده اند.



شد و توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، نقشی تعیین کننده در سیاست ایران یافت.

لیبرالیسم به مثابه ضد ارزش

یکی از چالش برانگیزترین محورهای گفت وگو، مسئله لیبرالیسم است. حق پناه با نگاهی انتقادی یادآوری می کند لیبرالیسم، با وجود جایگاهش در تاریخ مدرن و توسعه اجتماعی، در آن مقطع به ضد ارزش بدل شد. امت و بسیاری از نیروهای انقلابی، لیبرالیسم را تهدیدی علیه انقلاب می دانستند و دولت موقت و مهندس بازرگان را با این برجسب نقد می کردند. خدیوی این بحث را در چارچوبی وسیع تر قرار می دهد. او با اشاره به مقاله معروف «لیبرالیسم: جاده صاف کن امپریالیسم» توضیح می دهد این ادبیات محدود به امت نبود. این تعبیر به نوعی ناسازی سیاسی رایج تبدیل شد که طیف متنوعی از نیروها (از مجاهدین خلق گرفته تا مارکسیست ها) برای نقد دولت موقت به کار می بردند. به باور خدیوی، رقابت ایدئولوژیک و ترس از عقب ماندن در مبارزه با امپریالیسم، عامل مهمی در رادیکال شدن این ادبیات بود.

حزب توده در سایه

یکی از نقاط اختلاف جدی میان حق پناه و خدیوی، نقش حزب توده است. حق پناه ریشه بسیاری از تغییر مواضع دکتر پیمان و جنبش را پیشتر در تعارضات درونی و واکنش های شخصی می بیند. او به شیوه ناگهانی خروج دکتر پیمان از گروه ها، عدم توضیح درباره تغییر مواضع و شوک وارد شده به اعضا اشاره می کند و این رفتارها را نشانه بحران درونی می داند. در مقابل، خدیوی بر این باور است که بدون در نظر گرفتن رقابت با حزب توده، تحلیل آن دوره ناقص خواهد بود. او با استناد به گفت وگوهایش با اعضای تحریریه «امت»، توضیح می دهد که بسیاری از نیروهای انقلابی خطر اصلی را از نفوذ حزب توده می دیدند. حتی شعار «نه شرقی، نه غربی» در عمل بیش از آن که متوجه غرب باشد، ناظر به مهار چپ و نفوذ شوروی تلقی می شد. به باور خدیوی، حساسیت و گاه گارد گرفتن دکتر پیمان در

است، زیرا نمی توان اجازه داد عامل خشونت آزادانه برود. در نهایت، من به عنوان نویسنده و خالق اثر، حق را برای یافتن راه حل های خودش در برابر معماهای «مرگ و دوشیزه» پذیرفتم، هرچند با نیاز او به این «بستن پرونده» موافق نبودم).

حالا خبرنگار ایسنا برای بررسی صحت و سقم این موضوع، مکاتبه ای را با آریل دورفمن که در کنار گابریل گارسسیا مارکز، کارلوس فونتتس و میگل آنخل آستوریاس به عنوان یکی از مهم ترین نویسندگان آمریکای لاتین شناخته می شود، انجام داد و در ادامه پاسخ او درباره شباهت اقتباسی بودن فیلم «یک تصادف ساده» به صورت کامل منتشر می شود.

این نویسنده ۸۳ ساله در پاسخ به ایسنا نوشته است:

«جعفر پناهی را به عنوان هنرمندی برجسته و فعال حقوق بشر تحسین می کنم اما واقعیت این است که او ۱۵ سال پیش قصد داشت



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بلوغ رمزارز

بیت کوین در آستانه ۱۷سالگی با چه آسیب‌هایی مواجه است؟

مهتا معرفت

مترجم

در آستانه سوم ژانویه، هفدهمین سالگرد معرفی بیت‌کوین توسط ساتوشی ناکاموتو فرا می‌رسد؛ دارایی دیجیتال که سریع‌تر از هر ابزار مالی دیگری جایگاه خود را در نظم مالی جهانی تثبیت کرده است. بیت‌کوین و به‌طور کلی صنعت رمزپول‌ها، مسیری شگفت‌انگیز را طی کرده‌اند: از موضوعی حاشیه‌ای و مورد تمسخر جریان اصلی مالی و هدف دشمنی تنظیم‌گران، به پدیده‌ای پذیرفته‌شده که بانک‌ها، مدیران دارایی و حتی قانونگذاران آمریکایی به آن توجه نشان می‌دهند. ارزش بازار بیت‌کوین در ماه اکتبر به حدود ۲۰۵تریلیون دلار رسید و این ارز دیجیتال به نمادی از بلوغ نسبی صنعت رمزپول تبدیل شد. با این‌حال، همین موفقیت‌ها اکنون به منبعی از آسیب‌پذیری بدل شده‌اند. قیمت بیت‌کوین پس از رسیدن به اوج حدود ۱۲۶ هزار دلار در اوایل اکتبر، به اندکی بالاتر از ۹۲ هزار دلار کاهش یافته است. برای دارایی‌ای که درآمدی تولید نمی‌کند و صرفاً به انتظار افزایش قیمت متکی است، توقف یا معکوس شدن روند صعودی چالشی جدی محسوب می‌شود. از آنجا که پذیرش گسترده رمزپول‌ها پیوند آنها با بازارهای مالی دیگر را تقویت کرده، پیامدهای افت قیمت می‌تواند فراتر از این صنعت گسترش یابد. پیش‌بینی مسیر آینده بیت‌کوین همواره دشوار بوده است، اما در سال‌های اخیر الگوی تکرارشونده دیده می‌شود: هر جهش قیمتی با روایت‌های خوشبینانه درباره پذیرش گسترده‌تر همراه بوده است. در دوران همه‌گیری کرونا، سیاست‌های مالی انبساطی و ورود کارگزاران رسمی به بازار رمزپول‌ها موجی تازه از تقاضا ایجاد کرد. سپس امید به راه‌اندازی صندوق‌های قابل معامله در بورس به واقعیت تبدیل شد و در ژانویه ۲۰۲۴ نخستین ETFهای بیت‌کوین در آمریکا مجوز گرفتند. پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات نوامبر همان سال نیز به رونق بیشتر بازار کمک کرد. امروزه دسترسی به بیت‌کوین آسان‌تر از همیشه است و تقریباً هر فردی با یک تلفن همراه می‌تواند وارد این بازار شود. با این حال، دامنه رشد تقاضا همچنان محدود است.

سک‌های پایدار نیز یکی دیگر از نقاط اتصال میان این دو جهان هستند. رشد سریع بازار آنها و انکای‌شان به دارایی‌هایی مانند اوراق خزانه آمریکا، این نگرانی را ایجاد کرده که سقوط شدید دارایی‌های پرریسک دیجیتال بتواند بازار بدهی را نیز دچار تلاطم کند.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۳۰۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای ۱۳۰۳۹۸۱۳-۱۳۰۴۶۰۳۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ هیات قانون تعیین تکلیف...موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی...چمستان... تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای اخنام وحید دادخواه فرزند محمدحسین نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۴۰,۰۰ مترمربع به شماره پلاک ۱۳۴۸ فرعی از ۶۰ فرعی از ۲۳ اصلی واقع در قریه کردآباد بخش ۱۱ خریداری شده از آقای و خاتم قاسم مقصودی محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق این روزنامه و محلی /اسراسری در شهرها منتشر ودر روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

شناسه آگهی: ۲۰۷۵۲۰۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

عین اله تیموری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

بازی با کارت دیگران

صادرات برای مفسدین چگونه دوست‌داشتنی شد؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

در شرایطی که کشور به‌شدت نیازمند ارز است، معاون بانک مرکزی اعلام کرده که بیش از ۱۵میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات به چرخه رسمی بازنگشته است. این میزان ارز توسط تجار غیررسمی و ناشناس وارد کشور نشده و عمدتاً مربوط به افرادی است که از کارت‌های بازگانی اجاره‌ای یا یک‌بار مصرف استفاده کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود ۹۰۰ کارت بازگانی اجاره‌ای ثبت شده است که صاحبان آنها ارز حاصل از صادرات را به سیستم رسمی بازگردانده‌اند. نکته قابل توجه این است که این رقم تقریباً معادل کل ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی است که دولت در بودجه سال جاری برای کالا‌های اساسی اختصاص داده است. طبق گفته آقای گنج‌پرزاده، ۱۵ نفر از این افراد به‌تهدایی حدود ۶میلیارد دلار تعهد ارزی دارند و آدرس بسیاری از آنها در روستاهای دورافتاده یا شهرهای مرزی ثبت شده‌است. در سال‌های گذشته موارد متعددی از سوء استفاده از کارت‌های بازگانی گزارش شده که اغلب با هدف دور زدن قوانین ارزی، گمرکی و مالیاتی انجام شده‌اند. معروف‌ترین پرونده، مورد واردات خودروهای لوکس ازجمله پورشه، مازراتی و بنز در سال‌های پایانی دولت احمدی‌نژاد بود که با استفاده از کارت‌های بازگانی افراد کم‌درآمد یا روستایی که هیچگونه سابقه فعالیت تجاری نداشتند، صورت گرفت.

در سال‌های گذشته فروش یا واگذاری کد کوتاه صادراتی به اشخاص دیگر موسوم به «کوتاه‌فروشی» که در آن، تعهد ارزی و مالیاتی از صادرکننده واقعی به دارنده صوری کارت منتقل می‌شود، به‌شدت رایج شده است. همچنین سوء استفاده از کارت‌های بازگانی برای واردات کالا با ارز ترجیحی یا نیمایی و عرضه همان کالا در بازار آزاد با قیمت ارز آزاد، بدون ایفای تعهدات ارزی و نظارتی رایج است.

استفاده از کارت‌های بازگانی اجاره‌ای برای دور زدن سقف و سابقه واردات و صادرات، به‌ویژه در دوره‌هایی که محدودیت‌های مقداری از ارزشی برای فعالان واقعی تجارت اعمال می‌شد نیز رواج زیادی دارد. این موارد نشان می‌دهد که ضعف در احراز اهلیت دارندگان کارت بازگانی، چندرنخی بودن ارز و نبود شفافیت درزنجیره تجارت خارجی، زمینه‌ساز شکل‌گیری این نوع تخلفات و انتقال ریسک و مسئولیت از عاملان اصلی به افراد صوری شده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی رسمی

۱ - برابر رأی شماره ۵۵۲۹-۱۳۰۲۰۰۷۴۶۰۳۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان گلوگاه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی بنام آقای سعید ستاری فرزند بوعلی سینا نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۷۵,۰۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۳- اصلی به شماره کلاسه ۱۴۰۴/۲۳۸ واقع در اراضی خورشیدکلا نظام محله و تپه بخش ۱۹ ثبت گلوگاه مستند مالکیت برابر قول نامه و گزارش کارشناسان محرز گردیده است

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه آگهی: ۲۰۶۰۶۹۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

جعفر رسولی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گلوگاه

آگهی موضوع ماده۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای هیات به شماره ۲۰۰۲۵ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای ابوالفضل رضمانی فرزند قاسم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۹,۸۳ مترمربع بشماره کلاسه ۱۴۰۲/۲۵۸۵ قسمتی از پلاک ۲۹- اصلی واقع در هزار جریب اراضی گرنام بخش ۲۴ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده از مالک غیر رسمی قاسم رضانی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۶۰۷۶۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

محمدحسن صادقی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

مسئله بازنگشتن ارز حاصل از صادرات موضوع تازه‌ای در اقتصاد ایران نیست و سال‌هاست که فعالان اقتصادی نسبت به آن هشدار می‌دهند. اما این سوال مطرح می‌شود که چگونه صادرات به زمینه‌ای جذاب برای رانت‌جویان تبدیل شد؟ پاسخ را باید در خطاهای سیاستگذاری ارزی و تجاری سال‌های گذشته جست‌وجو کرد. سیاستگذار با هدف بازگرداندن ارز حاصل از صادرات و جلوگیری از خروج سرمایه، محدودیت‌های متعددی برای صادرکنندگان ایجاد کرد. دولت صادرکنندگان را موظف کرد تا ارز حاصل از صادرات خود را از طریق سامانه‌های تعیین شده توسط بانک مرکزی بفروشند. این محدودیت‌ها و پیچیدگی‌ها ضمن اینکه تجار سالم را از چرخه فعالیت خارج کرد، انگیزه خیلی از صادرکنندگان را برای دور زدن فرآیند افزایش



داد. برای جلوگیری از گرفتار شدن در تله سامانه‌های دولتی برخی صادرکنندگان به استفاده از کارت‌های بازگانی دیگران روی آوردند. این رفتار، نقطه آغاز یک مشکل جدی بود. با این تقسیم‌بندی، امکان سوءاستفاده و فساد فراهم شد و برخی دارندگان کارت بازگانی حاضر شدند در ازای دریافت مبلغی، کارت خود را در اختیار دیگران قرار دهند. چنین روندی عرصه رقابت سالم را مختل کرد و عملاً کار برای صادرکنندگان واقعی و ریشه‌دار دشوار شد. به این ترتیب، سیاست‌های محدودکننده و بی‌انعطاف ارزی و تجاری، فرصتی طلایی برای سوءاستفاده رانت‌جویان فراهم کرد. صادرات، که در واقع باید موتور توسعه اقتصادی و منبع اصلی ارز کشور باشد، به‌جای آن به ابزار درآمدزایی برای گروه‌های خاص و غیررسمی تبدیل شد. این افراد بدون آنکه در تولید و صادرات واقعی مشارکت داشته باشند، توانستند از شرایط ایجاد شده بهره‌برداری کنند و تعهدات ارزی خود را برنگردانند. در نتیجه، نه‌تنها منابع ارزی کشور به هدر رفت، بلکه اعتماد عمومی نسبت به سامانه‌های رسمی و

سیاست‌های ارزی نیز کاهش یافت.

بنابراین، ریشه این مشکل را می‌توان در خطاهای گذشته در طراحی سیاست‌های ارزی و تجاری جست‌وجو کرد که باعث شد صادرات به‌جای اینکه به‌نفع اقتصاد کشور باشد، به ابزاری جذاب برای سوء استفاده مفسدان تبدیل شود. اصلاح این مسیر نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌های ارزی، شفاف‌سازی مالکیت کارت‌های بازگانی و ایجاد سازوکارهای کنترلی است تا هم رقابت سالم بین صادرکنندگان واقعی برقرار شود و هم منابع ارزی کشور به چرخه رسمی بازگردد.

محمدرضا فرزین در پاسخ به انتقادها معتقد است: در اقتصاد ایران موضوعی به‌نام پیمان‌سپاری ارزی به‌معنای کلاسیک آن وجود ندارد؛ هرچند بسیاری از تجار از این وازه استفاده می‌کنند. به عقیده او آنچه امروز مطرح است، تعهد به بازگشت ارز حاصل از صادرات است که مقوله‌ای متفاوت و در همه کشورهای دنیا مورد تأکید قرار می‌گیرد. مثال فرزین روسیه است که ارز حاصل از صادرات با نرخ تعیین شده توسط بانک مرکزی این کشور، به اقتصاد بازمی‌گردد. دلیل امکان‌پذیری این سیاست آن است که نرخ ارز بانک مرکزی روسیه فاصله معناداری با نرخ بازار ندارد. رئیس‌کل بانک‌مرکزی معتقد است در کشور ما، برخی تجار نسبت به الزام بازگشت ارز با نرخ مرکز مبادله اعتراض دارند، در حالی که در مواردی معادل ارزی با نرخ‌های بسیار بالاتر، ازجمله طلا، وارد کشور شده است. فرزین این پرسش را پیش می‌کشد که در شرایط کنونی اقتصاد، این پرسش جدی مطرح است که چه منطقی وجود دارد که برخی تجار یا صادرکنندگان ارز حاصل از صادرات را به کشور بازنگردانند؟

او می‌گوید: بانک مرکزی روزانه ارز را از مسیرهای مختلف در بازار عرضه می‌کند و حتی به بنگاه‌های تولیدی و صادرکنندگان این امکان داده شده است که بخشی از ارز صادراتی خود را برای واردات مورد نیازشان مصرف کنند. برای مثال، اگر بنگاهی ۵میلیارد دلار درآمد صادراتی و ۲میلیارد دلار نیاز وارداتی داشته باشد، می‌تواند همان ۲میلیارد دلار را صرف واردات خود کند و مابقی را به چرخه رسمی بازگرداند. همچنین بازار ارز اشخاص برای برخی گروه‌های خاص صادراتی مانند پسته، قیر و خشکبار و از سوی واردات، برای گروه‌هایی نظیر خودروسازان که افزایش نرخ ارز اثر ترمیمی بالایی بر محصولاتشان ندارد، راه‌اندازی شده است. در این چارچوب، صادرکننده و واردکننده می‌توانند با نرخ توافقی ارز را مبادله کنند، مشروط بر آنکه معادل ریالی آن در سامانه‌های تحت‌نظارت بانک مرکزی ثبت و رصد شود.

تأکید اصلی بانک مرکزی آن است که تأمین و مصرف ارز توسط صادرکننده و واردکننده انجام شود، اما ریال معادل آن حتماً در مرکز مبادله قابل مشاهده و رهگیری باشد. در حوزه تهاتر نیز این امکان فراهم شده است و تأمین ارز می‌تواند از این مسیر نیز صورت گیرد. بانک مرکزی به‌صورت روزانه نیاز ارزی طیف وسیعی از صنایع را پوشش می‌دهد و در صورت عدم مداخله فعال، نرخ ارز با فشار بیشتری افزایش یافته و تورم تشدید خواهد شد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی رسمی

املاک متقاضیان واقع در اراضی ران (روستای ریحان آباد) پلاک ۵۹ – اصلی بخش ۱۷ حوزه ثبت ملک شهرستان گلوگاه

برابر رای شماره ۵۹۷۸-۱۳۰۲۰۰۷۴۶۰۳۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف ... تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳/۵۶۳۹ بنام آقای علی اکبر فدائی فرزند محمد ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹ – اصلی (واقع در مزرعه زیراب بندان) به مساحت ۲۱۳۲,۰۵ متر مربع واقع در بخش ۱۷ اراضی ران مستند مالکیت گزارش کارشناسان و استشهدادیه ارائه شده و گواهی عدم دسترسی به مالک اولیه محرز گردیده است .

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه آگهی: ۲۰۶۰۶۸۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

جعفر رسولی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گلوگاه

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۶۰۶-۱۳۰۲۰۰۷۴۶۰۳۱۲۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۴۹۴-۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای محمد بردی سوقی فرزند عراز قریان به شماره شناسنامه ۲ کد ملی ۴۹۷۹۷۸۵۵۵۷ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۲۹۴/۴۷ متر مربع ، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱- اصلی واقع در آق قلا -راضی قریه صحنه- بخش ۶- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است. در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف:۱۰۹

تاریخ انتشار نوبت اول روز شنبه ۱۴۰۴/۹/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: روزیکشنبه ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

مهناز جهانفر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا

شوگ به صنعت دارو

هشدار جامعه داروسازان به وزیر بهداشت

گروه اجتماعی: تب بحران در رگ‌های صنعت دارویی کشور، چنان بالا گرفته که دیگر با مسکن‌های موقتی دولت و وعده‌های توخالی سازمان‌های بیمه‌گر پایین نمی‌آید. هشدار اخیر انجمن داروسازان ایران مبنی بر توقف صدور چک برای شرکت‌های پخش از ۱۵ دی ماه، تنها یک بیانیه صنفی نیست؛ این یک «اعلام ورشکستگی همگانی» در زنجیره‌ای است که از کارخانه‌های تولیدی آغاز شده و به سفره خالی بیمارانی ختم می‌شود که حالا باید میان «نان» و «جان»، یکی را انتخاب کنند. واقعیت صنعت دارو در اعداد ترسناکی خلاصه شده است: ۱۵۷ همت طلب وصول‌نشده شرکت‌های پخش و ۴۰ همت بدهی انباشته بیمه‌ها به پخش خصوصی. این ارقام نشان‌دهنده یک انسداد کامل عروقی در اقتصاد سلامت است. نقدینگی، یعنی خون جاری در این رگ‌ها در سیاهچاله سازمان‌های بیمه‌گر رسوب کرده و حالا قلب پنبه‌د تولید و توزیع در آستانه ایست کامل قرار دارد.

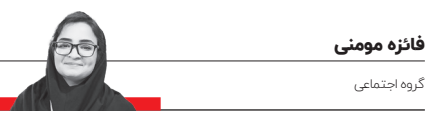
دارویار؛ جراحی ناتمامی که به عفونت رسید

زمانی که طرح «دارویار» با هیاهوی فراوان کلید خورد، قرار بود یارانه دارو از ابتدای زنجیره به انتهای آن (بیمه‌ها) منتقل شود تا هم تولید جان بگیرد و هم جیب بیمار از ترکش‌های ارز ترجیحی مصون بماند. اما امروز، دارویار به یک «سراب

سفر

پایان لاتاری؟

تصمیم جدید ترامپ برای قرعه‌کشی سالانه شوگ بسیاری به متقاضیان سفر به آمریکا وارد کرد



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

درست در روزهایی که سرمای آذرمه تهران با تلاطم‌های سیاسی واشنگتن گره خورده است، خبری از آن‌سوی اقیانوس اطلس مخابره شد که نمتتها برندگان «لاتاری ۲۰۲۵» را در پهنی عمیق فرو برد، بلکه یکی از نمادین‌ترین ستون‌های مهاجرتی ایالات متحده را فرو ریخت. دولت دونالد ترامپ، در اقدامی که بسیاری آن را «شلیک نهایی به قلب تنوع نژادی» می‌نامند، برنامه ویزای گوناگونی را به‌طور نامحدود متوقف کرد. بهانه این تصمیم، تراژدی خونین در دانشگاه براون و مؤسسه فناوری ماساچوست بود؛ جایی‌که یک شهروند پرتغالی‌تبار که از طریق همین برنامه در سال ۲۰۱۷ اقامت گرفته بود، دست به اسلحه برد. اما فراتر از این حاده، این تصمیم ریشه در تقابلی دیرینه میان نگاه «ناسیونالیسم مهاجرتی» و ایده «آمریکا، سرزمین فرصت‌های متنوع» دارد. این تعلیق در حالی رخ می‌دهد که در قرعه‌کشی سال ۲۰۲۵، بیش از ۱۳۱ هزار نفر (شامل برندگان و خانواده‌هایشان) خود را برای آغاز فصلی نوین در زندگی آماده می‌کردند. اکنون، با دستور مستقیم کاخ سفید به وزارت امنیت داخلی و اداره خدمات شهروندی و مهاجرت (USCIS)، تمام پرونده‌ها در وضعیت «انجماد» قرار گرفته‌اند. برای ایرانیانی که طی سال‌های اخیر، لاتاری را تنها روزنه عبور از دیوارهای بلند تحریم و محدودیت‌های کنسولی می‌دیدند، این خبر فراتر از یک تغییر قانونی، به‌مثابه فرو ریختن پلی است که با خون جگر و امید بنا شده بود.

از «قانون ۱۹۹۰» تا «تعلیق ۲۰۲۵»؛ کالبدشکافی یک تصمیم
برنامه ویزای گوناگونی که در سال ۱۹۹۰ با امضای جرج بوش پدر به قانون تبدیل شد، با این فلسفه پا به عرصه گذاشت که ساختار جمعیتی آمریکا نباید تنها به مهاجران کاری یا خانوادگی محدود شود. هدف، اعطای فرصت به کشورهایی بود که نرخ مهاجرت پایینی به آمریکا داشتند. اما دونالد ترامپ از همان دوره اول ریاست‌جمهوری خود، این برنامه را «سیستم توزیع زیاده» نامیده بود. او معتقد است که قرعه‌کشی امنیت ملی را فدای شانس می‌کند. حادثه ۲۲ آذر ۱۴۰۴، برای تندروهای جناح جمهوری‌خواه یک «هدیه سیاسی» بود. مهاجمی که سال‌ها پیش با ویزای دانشجویی وارد شده و سپس از طریق لاتاری، گرین‌کارت گرفته بود، حالا به نماد ناکارآمدی سیستم غربالگری تبدیل شده است. کریستی نثوم، وزیر امنیت داخلی، با تکیه بر همین کد امنیتی، فرمان توقف را صادر کرد. اما واقعیت حقوقی پیچیده‌تر از یک دستور اجرایی است. حقوق‌دانان برجسته در

کاغذی» تبدیل شده است. دولت با حذف ارز ارزان‌قیمت، هزینه‌های تولید را به نرخ بازار آزاد نزدیک کرد، اما در مقابل، بودجه بیمه‌ها را برای پوشش این اختلاف‌قیمت تأمین نکرد. نتیجه این شد که تولیدکننده مواد اولیه را با دلار روز می‌خرد، اما محصول نهایی را با قیمت دستوری و به‌صورت نسیه به دولتی می‌فروشد که ماه‌هاست در پرداخت مطالباتش درمانده است. همایون سام‌میج نجف‌آبادی، رئیس کمیته داروی مجلس، به‌درستی از «فروپاشی» سخن می‌گوید. وقتی انتقال ارز برای مواد اولیه از تابستان گذشته متوقف شده و بدهی‌های خارجی روی هم تلنبار گشته، دیگر سخن گفتن از «ذخیره استراتژیک» شوخی تلخی بیش نیست. گزارش‌ها حاکی از آن است که فهرست داروهای کمیاب از مرز ۸۰۰ قلم گذشته و موجودی انبار برخی داروخانه‌ها به کمتر از سه ماه رسیده است؛ وضعیتی که در ادبیات پدافند غیرعامل، به‌معنای «وضعیت قرمز» است.

تحریم خارجی، خودتحریمی داخلی و تورم لجام‌گسیخته

بحران فعلی را نمی‌توان تنها به گردن تحریم‌های بین‌المللی انداخت. اگرچه تحریم‌ها مسیر انتقال ارز را به یک میدان مین تبدیل کرده‌اند، اما آنچه امروز صنعت دارو را به زانو درآورده، «تورم

واشنگتن استدلال می‌کنند که چون این برنامه مصوبه کنگره است، رئیس‌جمهور قانوناً حق لغو دائم آن را ندارد. با این حال، تعلیق اجرایی به بهانه بررسی‌های امنیتی، عملاً همان نتیجه لغو را دارد؛ چرا که ویزاهای لاتاری «زمان‌بندی انقضا» دارند و اگر تا پایان سال مالی صادر نشوند، برای همیشه سوخت می‌شوند.

ایران؛ بزرگترین بازنده جغرافیایی در خاورمیانه

برای درک عمق فاجعه برای جامعه ایران، باید به اعداد نگریست. ایران همواره در زمره ۵ کشور اول دنیا از نظر تعداد متقاضیان و برندگان لاتاری بوده است. در حالی‌که اخذ ویزای کاری (B-۱۱) برای یک متخصص ایرانی به دلیل تحریم‌های بانکی و عدم حضور شرکت‌های چندملیتی در ایران، تقریباً محال است و ویزاهای تحصیلی نیز با ریسک بالای کلیرنس‌های امنیتی طولانی مواجهند، لاتاری «دموکراتیک‌ترین» و در دسترس‌ترین راه ممکن بود. طبق آمارهای رسمی، تنها در سه سال اخیر (۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵)، بیش از ۱۵ هزار خانواده ایرانی به‌عنوان برنده انتخاب شده بودند. برای لایه‌های متوسط و فرودست جامعه که توانایی پرداخت هزینه‌های گزاف مهاجرت تحصیلی یا سرمایه‌گذاری را ندارند لاتاری یک «عدالت اتفاقی» بود. توقف این برنامه، هزاران نفر را که در ماه‌های اخیر هزینه‌های سنگین معاینات پزشکی در ترکیه و ارمنستان، ترجمه مدارک و سفرهای چندباره به سفارتخانه‌ها را متحمل شده‌اند، در یک خلأ مالی و روانی رها کرده است. فراتر از جنبه‌های فردی، این اتفاق به‌معنای انسداد یکی از معدود کانال‌های پیوند فرهنگی میان مردم ایران و آمریکاست. مهاجرانسی که از طریق لاتاری می‌روند، معمولاً با بدنه اصلی جامعه آمریکا ادغام شده و بخشی از قدرت نرم و شبکه ارتباطی غیررسمی میان دو ملت را تشکیل می‌دهند. قطع این پیوند، دیوار میان دو کشور را بلندتر از هر زمان دیگری خواهد کرد.

تبعات جهانی؛ وقتی رقبا در کمین نشستند

توقف ویزای DV تنها یک مسئله داخلی برای آمریکا یا یک چالش برای ایران نیست؛ این یک زلزله در جغرافیای مهاجرتی جهان است. کشورهایی مانند مصر، کنیا، افغانستان و ازبکستان که سهم بالایی در این ویزا داشتند، اکنون با سرخوردگی ملی مواجهند. تحلیلگران اقتصادی در اوکونومیست و وال‌استریت ژورنال هشدار می‌دهند که این حرکت، سیگنالی منفی به «استعدادهای خام» جهانی مخابره می‌کند. در حالی‌که آمریکا درهای خود را به روی تنوع می‌بندد، کشورهایی چون کانادا، آلمان و استرالیا با اصلاح قوانین مهاجرتی خود، در حال پهن کردن فرش قرمز برای جذب همان نیروهای جوانی هستند که پیش از این سودای کالیفرنیا و تگزاس را



ساختاری» و «ناهماهنگی سیستماتیک» در تیم اقتصادی دولت است. تولیدکننده ایرانی درگیر جنگی دو جبهه‌ای است؛ از یک‌سو باید با محدودیت‌های ارزی بین‌المللی بجنگد و از سوی دیگر با سازمان غذا و دارویی که قیمت‌ها را متناسب با تورم ۵۰درصدی اصلاح نمی‌کند. این فشار گازانتری باعث شده تا بسیاری از خطوط تولیدی که پیش از این افتخار خودکفایی ۹۷درصدی بودند، اکنون با ظرفیت حداقلی کار کنند یا تغییر کاربری بدهند. وقتی سود خالص یک واحد تولیدی دارو کمتر از سود سپرده‌های بانکی است، سرمایه‌گذار عطای تولید را به لقای آن می‌بخشد. هشدار نجف‌آبادی مبنی بر لزوم افزایش قیمت دارو در ماه‌های پیش‌رو، حقیقتی است که سیاست‌گذاران از ترس تبعات اجتماعی آن را پنهان می‌کنند، اما واقعیت این است که «داروی گران» بسیار بهتر از «داروی نایاب» است. نایاب شدن دارو، بیمار را به بازار سیاه ناصرخسرو و داروهای تقلبی سوق می‌دهد که هزینه جانی آن جبران‌ناپذیر است.

خودتحریمی داخلی و تورم لجام‌گسیخته

داشتند. این تصمیم، رقابت بر سر «سرمایه انسانی» را به سود رقبای استراتژیک آمریکایی تغییر می‌دهد. از سوی دیگر، بسته‌شدن مسیرهای قانونی مهاجرت، همواره یک نتیجه قطعی دارد: رونق گرفتن کارتل‌های قاچاق انسان و افزایش نرخ مهاجرت‌های غیرقانونی پرخطر از مسیرهایی چون جنگل‌های دارین یا مرزهای مکزیک.

سناریوهای پیش‌رو؛ آیا امیدی باقی است؟

با توجه به فضای سیاسی فعلی در آذر ۱۴۰۴، سه سناریوی محتمل برای آینده این برنامه متصور است: نبرد در دادگاه‌های فدرال؛ احتمالاً در هفته‌های آتی، نهادهای مدنی مانند اتحادیه آزادی‌های شهروندی آمریکا (ACLU) علیه این دستور شکایت خواهند کرد. اگر قضات فدرال حکم به توقف دستور اجرایی ترامپ بدهند، وزارت امور خارجه مجبور خواهد شد پردازش ویزاها را از سر بگیرد. اما این مسیر طولانی و نامطمئن است.

اصلاح ساختاری به‌جای لغو؛ ممکن است تحت فشار کنگره، دولت بپذیرد که برنامه را با محدودیت‌های شدیدتر (مثلاً شرط مدرک کارشناسی یا تمکن مالی بالاتر) احیا کند. در این صورت، فلسفه اصلی لاتاری که «فرصت برابر برای همه» بود، عملاً از بین می‌رود. مرگ تدریجی برنامه؛ اگر جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ پیروزی قاطعی به‌دست آورند، ممکن است برای اولین‌بار در ۳۵سال گذشته، ماده قانونی مربوط به ویزای گوناگونی را به‌طور کامل از کتاب قوانین مهاجرتی حذف کنند.

پایان یک رویا یا آغاز یک واقع‌گرایی تلخ؟

تعلیق ویزای لاتاری بیش از آنکه یک اقدام امنیتی باشد، یک بیانیه سیاسی است. این تصمیم نشان‌دهنده تغییر جهت قطب‌نمای سیاست خارجی و داخلی آمریکا از «اترناسیونالیسم پذیرا» به سویی «انزواطلبی گزینشی» است. برای ایران، این اتفاق زنگ خطری است که نشان می‌دهد مسیرهای سنتی تعامل و مهاجرت در حال مسدود شدن هستند.

جامعه ایران اکنون باید با این واقعیت روبه‌رو شود که «شانس» دیگر در دیپلماسی و مهاجرت جایگاهی ندارد. وقتی درجعه‌های قانونی بسته می‌شوند، فشار اجتماعی برای خروج از کشور تنها از بین نمی‌رود، بلکه از شکلی شفاف و قابل رصد به اشکالی زیرزمینی و آسیب‌زا تغییر ماهیت می‌دهد. فرجام لاتاری، نه فقط پایان یک قرعه‌کشی سالانه، که نمادی از پایان عصری است که در آن «تنوع» به‌عنوان یک ارزش جهانی ستایش می‌شد. اکنون جهان در انتظار است تا ببیند آیا سیستم قضایی آمریکا می‌تواند در برابر این موج ناسیونالیستی ایستادگی کند، یا اینکه «روای آمریکایی» برای همیشه پشت دیوارهای امنیتی محصور خواهد ماند.

نظام بیمه‌ای؛ فلک دولت یا حامی سلامت؟

بحران نقدینگی در صنعت دارو، بیش از هر چیز ناشی از بدعهدی سازمان‌های بیمه‌گر است. بیمه سلامت، تأمین اجتماعی و نیروهای مسلح به‌جای آنکه نقش ضربه‌گیر را ایفا کنند، خود به بخشی از مشکل تبدیل شده‌اند. آنها منابع مالی را که باید صرف تسویه‌حساب با داروخانه‌ها شود، صرف هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری‌های دیگر می‌کنند. داروخانه‌دار خصوصی که امروز در صف اول مواجهه با بیمار ایستاده، تبدیل به بانک بدون کارمزدی شده که هم باید جور نقدینگی شرکت پخش را بکشد و هم نسیه‌فروشی به دولت را تاب بیاورد. چک‌های برگشتی داروسازان در آذرماه به رکورد بی‌سابقه‌ای رسیده و اگر ضرب‌الاجل ۱۵ دی‌ماه عملی شود، زنجیره توزیع دارو در کشور به‌طور فیزیکی قطع خواهد شد. این یعنی حتی اگر دارو در کارخانه موجود باشد، به قفسه داروخانه نخواهد رسید چون اعتباری برای جابه‌جایی آن باقی نمانده است.

ضرورت خروج دارو از اولویت دوم

صنعت دارو در ایران امروز نه با مشکل فنی، بلکه با بحران «آراده سیاسی» روبه‌روست. تا زمانی‌که دارو به‌عنوان یک کالای سیاسی و نه یک کالای استراتژیک نگریسته شود، این کلاف سردرگم باز نخواهد شد. راهکارها روشن است اما اجرای آنها همت سیاسی می‌خواهد: آزادسازی قیمت‌ها هم‌زمان با پوشش صددرصدی بیمه‌ای برای دهک‌های پایین، جداسازی بودجه دارو از سایر هزینه‌های دولت در قالب یک صندوق مستقل و غیرقابل برداشت و البته دیپلماسی فعال برای گشایش مسیرهای ارزی خاص. اگر امروز صدای زنگ خطر شنیده نشود، در بهمن‌ماه با فاجعه‌ای روبه‌رو خواهیم شد که دیگر با هیچ حواله ارزی و دستور اورژانسی درمان نخواهد شد. دولت باید بپذیرد که سلامت مردم وجه‌المصلاحه کسری بودجه نیست. صنعت دارو در اتاق احیاست؛ یا شوک نقدینگی به آن می‌رسد، یا باید خود را برای سوگواری در سوگ یکی از حیاتی‌ترین صنایع ملی آماده کنیم.

سلامت

بیمه‌های بدحساب

وقتی بیمه‌ها، نفس بیمارستان را می‌برند

خبر توقف برخی خدمات درمانی در بیمارستان‌های دولتی مشهد، زنگ خطری است که اگر جدی گرفته نشود، به‌زودی از یک «اختلال مقطعی» به «بحران ساختاری سلامت» تبدیل خواهد شد. آنچه رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد روایت می‌کند، نه یک گلابه محلی، بلکه تصویری فشرده از وضعیت امروز نظام درمانی کشور است؛ جایی‌که کمر بیمارستان‌ها زیر بار مطالبات معوق بیمه‌ها، خم شده و زنجیره تأمین دارو و تجهیزات در حال ازهم‌گسیختگی است.

واقعیت تلخ این است که بیمارستان‌های دولتی، برخلاف تصور عمومی، بنگاه‌های مستقل اقتصادی نیستند. بیش از ۹۰درصد درآمد آنها وابسته به پرداخت‌های بیمه‌ای است؛ پرداخت‌هایی که حالا با تأخیرهای ۶ تا ۹ماهه انجام می‌شود. نتیجه روشن است: دانشگاه علوم پزشکی مشهد به‌تنهایی نزدیک به ۴هزار میلیارد تومان از بیمه‌ها طلبکار است و شرکت‌های دارویی و تجهیزات پزشکی، که خود در فشار تورم و نوسان ارزی قرار دارند، دیگر توان صبر ندارند. وقتی پول نمی‌رسد، دارو هم نمی‌رسد و وقتی دارو نیست، «حق درمان» به تعلیق درمی‌آید. توقف یا محدود شدن برخی خدمات درمانی، فقط یک عدد یا گزارش اداری نیست؛ پشت هر خدمت متوقف‌شده، بیماری ایستاده که یا باید درمانش را به تعویق بیندازد یا هزینه را از جیب بپردازد. ایسن همان قطعه‌ای است که بحران مالی بیمارستان‌ها، مستقیماً به بی‌عدالتی درمانی تبدیل می‌شود. در شرایطی که سهم پرداخت از جیب مردم دوباره رو به افزایش است، ناکارآمدی بیمه‌ها عملاً فلسفه وجودی آنها را زیر سوال می‌برد. تناقض تلخ ماجرا آنجاست که همین نظام درمانی، هم‌زمان مأمور اجرای سیاست‌های کلانی مثل «جوانی جمعیت» است؛ از توسعه مراکز ناباروری گرفته تا ساخت خوابگاه‌های دانشجویی. اما چگونه می‌توان از آینده جمعیت سخن گفت، وقتی حلالِ درمان این چنین بی‌ثبات است؟ بیمارستان امام رضا (ع) با ماهانه ۲۵هزار عمل جراحی و ۶۰ اتاق عمل فعال، نماد توان درمانی شرق کشور است، اما حتی چنین مرکزی هم بدون حمایت مالی پایدار، دوام نخواهد آورد. پیام این وضعیت روشن است: بحران سلامت، پیش از آنکه پزشکی باشد، اقتصادی و مدیریتی است. اگر اصلاح فوری در نظام پرداخت بیمه‌ها، تأمین نقدینگی بیمارستان‌ها و شفاف‌سازی بدهی‌ها رخ ندهد، توقف خدمات درمانی از «برخی خدمات» به «رویه‌ای عادی» بدل می‌شود و در آن روز، هزینه این تعلل را نه بیمه‌ها، که مردم خواهند پرداخت.

